

# کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.3, No.27, July 1992

سال سوم، شماره ۲۷، تیر ۱۳۷۱

طی نامه‌ای به رفسنجانی

## کنگره کار کانادا به اعدام و دستگیری فعالین کارگری ایران اعتراض کرد



باب وایت و شیرلی کار در کنگره کار کانادا

### تغییرات در رهبری کنگره کار کانادا

باب وایت، پرزیدنت اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا در کنگره کار کانادا (کنگره سراسری اتحادیه های کارگری این کشور) که در ماه ژوئن در ونکوور برگزار شد با اکثریت قریب به اتفاق به ریاست کنگره کار کانادا انتخاب شد و جای شیرلی کار را که بازنشسته شد گرفت. در این کنگره دومین مقام بالای بالای اتحادیه سراسری کارگران کانادا را ژان کلود پارتوت رهبر رادیکال اتحادیه کارگران پست بدست آورد.

کارشناس آی.ال.او در تهران

بعنوان کارگران کانادا محکوم کرد و خواستار توقف حمله به قترا و کارگران و برخورد انسانی با زندانیان شد. در کانادا شورای کارگری منطقه اتاوا در ایالت انتاریو طی نامه ای به سفارت ایران که به نمایندگی از طرف ۱۶۰ هزار عضو آن ارسال شده است ضمن اظهار نگرانی از بدرفتاری نسبت به کارگران و فعالین اتحادیه ای خواستار آزادی فوری زاهد منوچهری و سعید ساعدی شده است. در بخشی از این نامه آمده است که نقض اینچنینی حقوق بشر و حقوق اتحادیه ای توسط جامعه بین المللی تحمل نمی شود. در فنلاند نیز اتحادیه کارگران شیشه سازی اعدام فعالین کارگری را محکوم کرد و اتحادیه کارگران مواد غذایی این کشور با ارسال نامه ای به سفارت ایران در هلسنکی با محکوم کردن دستگیری و اعدام فعالین اتحادیه ها و احزاب، خواستار آزادی زندانیان شده است.

مرکز خبری کارگر امروز: کنگره سراسری اتحادیه های کارگران کانادا (کنگره کار کانادا) با تصویب یک قطعنامه از مبارزات کارگران ایران حمایت کرد و از دولت کانادا خواست تا ادامه مناسبات مالی خود را با ایران را به رعایت عرف بین المللی در مورد حقوق انسانی از جانب ایران مشروط کند. این قطعنامه همراه با نامه ای از طرف کمیته اجرایی و اعضای کنگره کانادا که در آن اعدام و دستگیری کارگران ایران محکوم شده است رفسنجانی را خطاب قرار داده و خواستار آزادی فوری زندانیان در ایران شده است. متن این نامه و قطعنامه را در همین شماره خواهید خواند.

در کانادا همچنین اتحادیه متحد کارگران برق، رادیو و ماشین آلات طی نامه ای خطاب به رفسنجانی که رونوشت آن به سفارت ایران، رئیس قوه قضائیه و وزیر امور خارجه ایران ارسال شده است اعدامهای اخیر ایران را

معاون امور عمرانی وزارت کشور:

### طرح طبقه بندی، دستمزد را اضافه نمی کند

اجرای طرح طبقه بندی مشاغل کارگری رفع تبعیض بین مشاغل مختلف است و کارگران نباید چنین تصور کنند که با اجرای آن حقوق و دستمزد آنان افزایش خواهد یافت. خواست افزایش دستمزدها یک مطالبه فوری و محوری کارگران در ایران است. این خواست در بسیاری مواقع در مبارزات کارگری خود را در خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و یا دیگر دریافتی ها و مزایای شغلی منعکس ساخته است. سخنان زرگر در مقابل کارگران شهرداری آشکارا پاسخ منفی به خواست افزایش دستمزد از سوی کارگران است.

مرکز خبری کارگر امروز: اجرای طرح طبقه بندی مشاغل حقوق و دستمزد کارگران را افزایش نخواهد داد. به گزارش روزنامه کار و کارگر، زرگر معاون امور عمرانی وزارت کشور روز ۳۱ خرداد در مراسم دوره مقدماتی آموزش طرح طبقه بندی مشاغل کارگری شهرداریهای کل ایران گفت "در ۵۳۰ شهرداری در سراسر کشور یک نا هماهنگی در رابطه با طبقه بندی مشاغل حکمفرماست. طرح طبقه بندی مشاغل سعی دارد برای هماهنگی مشاغل مختلف در این شهرداریها، هماهنگی و طبقه بندی خاصی را ایجاد کند." وی گفت که هدف از

### حق تشکل و آزادی اعتصاب حق طبیعی کارگران است

المللی کار بسیار مهم و منطقی است. او گفت هر کشوری که بخواهد به حقوق کارگران ضربه بزند، این سازمان به دفاع از حقوق کارگران برخاسته و به آنها شوراها هشدار خواهد داد. سازمان بین المللی کار چندی پیش در یکی از بولتن های خود قانون کار جمهوری اسلامی را به لحاظ تبعیض اسلامی آن و عدم پذیرش حق تشکل اتحادیه ها و تشکل های مستقل کارگری، نقش مسلط شوراها اسلامی، برسمیت نشناختن حق اعتصاب و انعقاد قرار داد دستجمعی و نیز خارج ماندن بسیاری از کارگران از شمول قانون کار مورد انتقاد قرار داده بود.

ای برای همکاری بیشتر سازمان بین المللی کار با خانه کارگر دانست. از گزارشات روزنامه کار و کارگر در باره سمینار چنین بر می آید که یکی از موضوعات مورد بحث، طرح انتقادات سازمان بین المللی کار به قانون کار جمهوری اسلامی بوده است. طبق گزارش این روزنامه، گریگوری کارشناس سازمان بین المللی کار طی سخنانی به اصل آزادی تشکل و حق اعتصاب بعنوان حق طبیعی کارگران برای احقاق خود، تاکید کرده و گفت ما درباره وضعیت کارگران در کشورهای مختلف هشدار می دهیم تا به حقوق کارگران بیشتر توجه کنند و این مساله برای سازمان بین

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۶ اردیبهشت ماه سمیناری با شرکت خانه کارگر و آی ال او در مرکز تربیت مربی سازمان آموزشی فنی و حرفه ای کرج برگزار شد. شناساندن ساختار سازمان بین المللی کار و بررسی حقوق اتحادیه ای و مقررات کار در ایران بعنوان هدف این سمینار تعریف شده بود. در این سمینار دو تن از کارشناسان سازمان بین المللی کار و هیاتهای اجرایی خانه کارگر و نمایندگان شوراها و انجمنهای اسلامی سراسری ایران شرکت داشتند. دبیرکل خانه کارگر این سمینار را مقدمه

### تدارک برای اعتصاب سراسری در سوئد

شیمیایی) در هلسنینگورگ، در روز ۴ ژوئن طی شرکت در جلسه ای که برای بررسی این آکسیون در استکهلم ترتیب داده شده بود رهبری "آل او" را وادار کردند که تاریخ روز اعتصاب را تعیین کند و هر چه زودتر در مقابل فشارهای دولت عکس العمل نشان دهد. مهمترین خواسته های کارگران \* مبارزه علیه بیکاری: طبق آمار (مورخ ماه مه) ۲۰۴ هزار نفر در سوئد بیکارند. بقیه در صفحه ۹

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال فشار بخش های مختلف اتحادیه های سوئد، اتحادیه سراسری کارگران سوئد (آل او) تصمیم گرفت که یک اعتصاب سراسری در روز ۶ اکتبر علیه اقدامات ضد کارگری دولت، بیکاری و خصوصی کردن صنایع و خدمات سازمان دهد. به گزارش روزنامه سوئدی "اوفنسیو" نماینده کارگران معدن بخش ۴ در مالمبرگ و نماینده کارگران فابریک (کارخانه محصولات

### طی ۶ سال کارگران ترکیه ۱۴ میلیون روز اعتصاب کردند

برده اند. در ۴ سال اخیر ارقام روزهای ناشی از اعتصاب از ارقام قبل از سال ۱۹۸۰ بیشتر است. در سال های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ به ترتیب ۱/۳۰۰ هزار روز اعتصاب، ۴۲۶ هزار روز، ۱/۱۴۷ هزار روز و در سال ۱۹۸۰، ۱/۳۰۳ هزار روز اعتصاب صورت گرفته است. طی سال های ۱۹۸۳ - ۱۹۸۱ بعلت وجود حکومت های نظامی اعتصابات کارگری بشدت کاهش یافت. طی سالهای

مرکز خبری کارگر امروز: در ۶ سال گذشته در ترکیه، جمعا در ۱۵۱۱ مرکز کار اعتصاب روی داده است. مدت روزهایی که کارگران در اعتصاب بوده اند به ۱۴/۲ میلیون می رسد. از سال ۱۹۸۶ تاکنون اعتصابات کارگری در ترکیه رو به افزایش گذاشته است و کارگران در طول این مدت ۱۴ میلیون و ۲۷۶ هزار و ۸۴۶ روز در اعتصاب به سر

### مبارزه سیاسی بدون هدف سیاسی

گفتگو با «میرنا سایدالو باتور» محقق جنبش کارگری آرژانتین  
سیاستهای دولت در طبقه کارگر یک بحران هویت بوجود آورده است  
صفحه ۹

### تصمیم کشورهای بازار مشترک درباره ساعت کار

روز ۲۴ ژوئن وزرای ۱۲ کشور عضو بازار مشترک طی جلسه ای به توافق رسیدند که حداکثر ساعت کار در اروپا ۴۸ ساعت در هفته باشد. انگلستان تنها کشوری بود که مخالف این محدودیت بوده ولی بالاخره با تغییراتی که در این طرح بوجود آمد با آن موافقت کرد. بقیه در صفحه ۵

### قرارداد تجارت آزاد، ضرورتها و نیازهای سرمایه

بیاینه حقوق اجتماعی جامعه اروپا:  
شکستی برای کارگران اروپا  
صفحه ۱۰

بیاینه حقوق اجتماعی جامعه اروپا:  
شکستی برای کارگران اروپا  
صفحه ۱۰

مجمع بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد:

فعالیت اتحادیه ای در ایران با بیشترین خطر و سرکوب روبروست

ایران خواهان یک نماینده دائمی در آی.ال.او شد

مرکز خبری کارگر امروز:

"مجمع بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد" ایران را جز کشورهای پرشمرد که در آن فعالیت اتحادیه ای با بیشترین سرکوبی و خطر روبروست.

به نوشته روزنامه آلمانی "فرانکفورتر روند شات"، "مجمع بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد" که مرکز آن در بروکسل است در گزارش سالانه خود نوشته است که در سال گذشته ۲۰۰ فعال اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف جهان به قتل رسیده اند و هم اکنون ۲ هزار نفر به جرم شرکت در فعالیت اتحادیه ای در زندان بسر

بنا به این گزارش "مجمع بین المللی..." در ایران بدنیاال تظاهرات در یک محله کارگری در تهران در سال گذشته دستکم ۱۰۰ نفر دستگیر شدند. همچنین ۲۰ نفر در ارتباط با فعالیتهای کارگری اعدام شده اند.

بنا به این گزارش طی سال گذشته ۵۰ هزار نفر بخاطر عقاید سیاسی شان در کشورهای مختلف بیکار شده اند. "مجمع بین المللی اتحادیه های آزاد" علیه ۳۶ کشور که در آن حق تشکل کارگران به رسمیت شناخته نمی شود نژد سازمان بین المللی کار شکایت کرده است.

می برند. این گزارش خطرناکترین کشورها برای فعالیت اتحادیه های کارگری را کشورهای کلمبیا، گواتمالا، ایران، السالوادور، چین، پرو، سودان و آفریقای جنوبی ذکر کرده است.

بنا به این گزارش از مارس ۱۹۹۱ تا مارس ۱۹۹۲ در کلمبیا بیش از ۵۰ نماینده کارگران به قتل رسیده اند. در گواتمالا قتل و کشتار و تهدید به قتل و آدم ربایی عملی روزمره است و رهبران اتحادیه ای باید دائما نگران جان خود باشند. در گواتمالا طی سال گذشته ۱۱ رهبر اتحادیه ای به قتل رسیده اند.

مرکز خبر کارگر امروز:

هفتاد و نهمین کنفرانس سالانه سازمان بین المللی کار در خرداد ماه گذشته در ژنو برگزار شد و هیاتی از سوی ایران تحت عنوان نمایندگان دولت، کارفرماها و کارگران در این کنفرانس شرکت کردند. گروه کارگری این کنفرانس طبق معمول هر ساله از سوی شوراهای اسلامی و خانه کارگر تعیین شده بود.

به گزارش ایرنا خبرگزاری جمهوری اسلامی در این اجلاس حسین کمالی وزیر کار و

امور اجتماعی طی یک سخنرانی نقطه نظرات جمهوری اسلامی ایران را در قبال مسائل بین المللی و منطقه ای تشریح کرد و با تاکید بر این که شرایط و تحولات کنونی جهانی تجدید نظر در ساختار سازمانهای بین المللی را ضروری ساخته است به جمع موافقان به این نظر پیوست. هیات ایران در این کنفرانس خواستار یک نماینده دائمی شد. کنفرانس بین المللی کار از ۱۳ خرداد ماه آغاز بکار کرد و تا سوم تیر ماه ادامه یافت.

مرگ کارگران در اثر حوادث کار



مرکز خبری کارگر امروز: ایران از جمله کشورهای است که کارخانجات و مراکز تولیدی آن دارای کمترین شرایط ایمنی و بهداشت محیط کار است و سالانه هزاران کارگر را می کشد.

اسماعیلی مدیر کل اداره حفاظت محیط زیست استان مرکزی در گفتگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: "صنایع موجود در اراک بخصوص کارخانه آلومینیوم سازی سالانه یک میلیون و ۲۸۳ هزار تن ازت، حدود ۹۹۰ هزار و ۶۴۵ تن "دی اکسید گوگرد" و حدود ۱۰۱ هزار و ۱۹۰ تن ذرات معلق وارد هوای شهر اراک میکنند." او گفت این آلودگیها موجب بیماریهای قلبی، ریوی، پوستی و چشمی در ساکنین این منطقه شده است. این گزارش به روشنی حاکیست که عدم وجود شرایط ایمنی و بهداشت محیط کار، هر روزه سلامتی هزاران کارگر در این منطقه بویژه کارگران کارخانه آلومینیوم سازی را تهدید میکند.

به گزارش کار و کارگر روز شنبه ۱۶ خرداد دو کارگر به نامهای قربان نودهی ۲۸ ساله و عباس نودهی ۳۲ ساله هنگامیکه مشغول حفر چاه بودند، در اثر ریزش دیوار چاه زیر خروارها خاک مدفون شده و جان خود را از دست دادند. همچنین روز ۱۷ خرداد در تهران یک کارگر افغانی ۲۵ ساله که قادر نام داشت در اثر سقوط بشکه پر از خاک بر روی سرش جان سپرد. بعلاوه روز ۲۹ خرداد در اثر انفجار و آتش سوزی در یک کارگاه چاپ پارچه در خیابان

چیحون تهران ۱۳ نفر کشته و زخمی شدند. به گزارش روزنامه کیهان شششوی وسائل کار با بنزین باعث وجود گازهایی در فضا شده است و سیگار آتش زدن یکی از کارگران کارگاه را منفجر کرده است. بنا به این گزارش شدت انفجار بعدی بود که شیشه های خانه های اطراف را شکست و چند تن از اهالی را مجروح کرد و کشت نام دوتن از کارگران کشته شده حسن کشن روستا و منصور امینی پور اعلام شده است منیره حکیمی نام یکی از اهالی محل است که در این حادثه کشته شده است.

گردهمایی مسئولین اجرایی بیمه بیکاری

مرکز خبری کارگر امروز:

مستولان اجرایی بیمه بیکاری جمهوری اسلامی با برپایی یک گردهمایی در وزارت کار، نحوه اجرای این قانون را مورد بررسی قرار دادند. به گزارش روزنامه کیهان در این گردهمایی معاون امور اجتماعی وزارت کار به تغییرات قانون بیمه بیکاری نسبت به دوره آموزشی آن اشاراتی داشت. وی گفت این قانون یکی از قوانین مترقی است که هم کارگر و هم کارفرما را مورد حمایت قرار میدهد و اجرای صحیح آن میتواند نقش موثری در اقتصاد ملی و تولید داشته باشد. او همچنین گفت که در سال ۷۰ میزان پرداخت بیمه بیکاری ۱۶ میلیارد ریال بوده

است. طبق گفته سهراب مقدم شیرازی مدیر کل بیمه بیکاری وزارت کار و امور اجتماعی، در سال ۷۰ بیمه بیکاری تنها شامل ۱۹ هزار نفر شده است. سهراب مقدم شیرازی در مصاحبه ای با کار و کارگر در مورد خدمات قانون بیمه بیکاری گفت که در شرایط جدید اقتصادی، خصوصا بعد از جنگ بسیاری از کارگاههای تولیدی دچار تغییر ساختار میشوند از آنجا که این اصلاح ساختار وقت گیر است و برای مدتی کارگاه تعطیل میشود، کارگران بیکار شده، با تائید شورای عالی کار تحت پوشش بیمه بیکاری قرار میگیرند.

معلق کرده، ارسال اسلحه به این کشور را تحریم کند و خرید نفت را مشروط به رعایت عرف بین المللی در مورد حقوق انسانی از جانب جمهوری اسلامی بکند." با ارسال رونوشت این نامه من از وزیر امور خارجه دولت کانادا میخواهم که بر اساس قطعنامه فوق الذکر اقدام نماید. با احترامات فائقه رئیس کارگر کار کانادا باب وایت رونوشت به: سفارت ایران وزیر امور خارجه کانادا کمیته اجرایی کنگره کار کانادا جهت اطلاع: فاتح بهرامی هماهنگ کننده کمیته همبستگی کارگری ایران - کانادا

مسمومیت صدها کارگر در کارخانه زامیاد تهران

مرکز خبری کارگر امروز:

ظهر روز دوشنبه هشتم تیر ماه صدها تن از کارگران بخش فترسازی کارخانه زامیاد واقع در جاده مخصوص کرج پس از صرف غذای آلوده ای که در سلف سرویس این کارخانه به کارگران داده شده بود دچار مسمومیت شدید شده و در تمامی بعد از ظهر روز دوشنبه دهها آمبولانس به حمل کارگران مسموم شده به سوی بیمارستانهای اطراف کارخانه زامیاد مشغول بودند. بدلیل گستردگی این مسمومیت در میان کارگران، کارخانه زامیاد به حال نیمه تعطیل در آمد.

بقیه از صفحه اول

قطعنامه کنگره کار کانادا

کنگره کار کانادا که ۲ میلیون کارگر متشکل در کانادا را نمایندگی میکند از دستگیری صد ها کارگر در ایران و اعدام ۸ نفر از آنها مطلع شده است. بعلاوه بنا اطلاع داده شده که پنج نفر دیگر به اعدام محکوم شده و ۴۵ نفر هم بین ۴ ماه تا ۱۰ سال حکم زندان گرفته اند. از طرف کمیته اجرایی و اعضای "کنگره کار کانادا" از دولت شما میخواهم که به این اعدامها خاتمه داده و فوراً کسانیکه در کشور شما زندانی هستند را آزاد کند و یا

کارگر امروز را برای خود دوستانتان آبرونه شوید

تخفیف ویژه در بهای شماره های قبلی کارگر امروز

قابل توجه خوانندگان کارگر امروز نشریه کارگر امروز - بعلت تعطیلات تابستانی ماه آینده منتشر نخواهد شد. شماره ۲۸ کارگر امروز (شماره آینده) در شهریور - سپتامبر - منتشر میشود.

قابل توجه احزاب، گروهها و جمعیت ها کارگر امروز در نظر دارد در آینده نزدیک دو ستون اول صفحه چهارم خود را به معرفی احزاب، گروهها و جمعیت های ایرانی از زبان خودشان اختصاص دهد. مطالب رسیده بدون دخل و تصرف در این ستون چاپ خواهند شد و در پایان هر سال در مجموعه جداگانه ای بصورت کتاب منتشر می شوند. این ستون به احزاب و گروههای سیاسی منحصر نیست و کلیه کانونها و جمعیت هایی که به نحوی از انحاء فعالیت متشکلی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به پیش می برند، می توانند نظرات و رئوس اهداف و فعالیتهای خود را در این ستون معرفی کنند.

ISSN 1101-3516 کارگر امروز نشریه انترناسیونالیستی کارگری WORKER TODAY An International Worker's Paper Editor: Reza Moqaddam سر دبیر: رضا مقدم صفحات انگلیسی: بهرام سروش حساب بانکی Bank Account: 5201-3306202 S.E. Banken Stockholm, Sweden مرکز خبری: مصطفی صابر، نسرين جلال، مریم کوشا. امور اجرایی: فریده آرمان، فهیمه قطبی، ایرج فرزاد، علی کهن، سارا اقبالی. اروپا: یکساله ۱۴۰ کرون سوئد - ششماهه ۸۰ کرون سوئد دیگر کشورها: یکساله ۲۱۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۲۰ کرون سوئد - بها برای موسسات دو برابر قیمتهای فوق است (تمام قیمتها با حساب هزینه بستراست) فرم آبونمان مايلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله [ ] شش ماهه [ ] لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید: Mr/Ms/Institution Address Postcode City Country فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید W.T. P.O.Box 241412 L.A., CA 90024 USA توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

# کارگر امروز

## گفتگو با بختیار سامی از فعالین جنبش کارگری کردستان عراق

# «جبهه کردستان» از رادیو اعلام کرد شوراها باید منحل شوند

بختیار سامی کارگر ساختمانی در اربیل و از فعالین جنبش کارگری کردستان عراق است. عمل پررنگی همکار کارگر امروز در کردستان، درباره مسائل جنبش کارگری عراق و جنبش شورایی در کردستان گفتگوی مفصلی با وی داشت که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

### اصلي ترين خواسته‌های کارگران عراق چیست؟

جنبش کارگری و خواسته‌های ویژه کارگران در حال حاضر ضعیف است. وضعیت وخیم اقتصادی کارگران، آنها را از منافع و مصالح خود دور کرده است. ناسیونالیسم و پراکندگی درون کارگران باعث شده که دسترسی به فاکتورهای پیشبرنده جنبش کارگری دشوار گردد. کارگران واقعا در پراکندگی بسر می‌برند.

### برای پیرون آمدن از این وضعیت و پیشبرد جنبش کارگری چه باید کرد؟

به نظر من شرط اول پیشبرد این جنبش آنست که کارگران از خوشبواری درآمد و به منافع خودشان آگاه شوند. در عراق ناسیونالیسم تا آنجا کارگران را تحت تاثیر قرار داده که کارگران از منافع خودشان جدا شده اند. اول باید کارگران را با این منافع طبقاتی آشنا کرد، سپس آنها را در تشکلهای خودشان سازمان داد. کارگران زمانی قادرند از وضعیت کنونی خارج شوند که از پراکندگی و ناآگاهی بیرون آمده باشند. امروز وظیفه کارگران کمونیست آگاهگری و جا انداختن تفکر و سیاست کارگری است. کارگران کمونیست و پیشروان کمونیست باید کارگران را حول خواسته‌های کارگری و سیاستهای روشن کارگری متحد کنند، بطوریکه بیشتر از این تحت تاثیر افکار ضد کارگری و ناسیونالیستی و مذهبی که سالهاست آنها را از منافعشان جدا کرده قرار نگیرند.

### رابطه کارگران ملیتهای گوناگون در عراق چگونه است؟

رابطه کارگران دو ملت اصلی کرد و عرب تا حالا ضعیف بوده است. برای کارگران

کارگر مجال فکر کردن به مسائل سیاسی را ننهد. فشار به حدی است که کارگر ناچار است از صبح زود دوندگی کند تا بلکه لقمه نانی برای بچه هایش بیابد، و به هیچ چیز دیگری فکر نکند.

### آیا زمینه ای برای متشکل شدن کارگر برای بهبود شرایط زندگی وجود دارد؟

تا آنجا که به متشکل شدن و مبارزه برای بهبود وضع زندگی باشد بله! برای نمونه اعتراضاتی که اخیرا در مرغادریها صورت گرفت نشانه فشار خارج از تحملی بود که بر کارگر وارد شد. در میان کارگران اگر نه بطور عام اما بسیاری جستجوگر علت اوضاعی هستند که بسرشان آمده: آیا نظام سرمایه داری مسبب آنست یا چیز دیگری؟ کارگران امروزه علیرغم وجود پراکندگی، باز حول متشکل شدن و خود سازماندهی بیشتر - اگرچه با کمبودهای زیاد - به میدان آمده اند و خواهان حداقلی از تشکل هستند.

### آیا اصولا میتوان گفت که جنبش کارگری در کردستان در قیاس با سراسر عراق دارای ویژگیهایی است؟ آیا چنین ویژگی وجود دارد؟ اگر هست چیست؟

ویژگی شرایط حاضر عدم حضور دولت مرکزی در کردستان است. لذا کارگران در کردستان از نوعی آزادی برخوردارند. البته نه به معنی آزادی اعتصاب و نظیر آن، بلکه فضای ناشی از خلاء یک قدرت مرکزی و یک قدرت اصلی حاکم در کردستان باعث شده کارگران تا حدودی بتوانند حرف خودشان را بزنند. ناسیونالیسم هم که در کردستان حاکم است هنوز از یک سلطه قانونی در مقابل حرکت کارگری برخوردار نیست. تنها در این شکل تفاوتی وجود دارد والا کارگر کرد وضع بهتری نسبت به کارگر عرب ندارد.

### چه موانعی سر راه مبارزه و سازمانیابی کارگران در عراق وجود دارد؟

در عراق بیش از هرچیز ناسیونالیسم نقش دارد، در کردستان ناسیونالیسم کرد و در جنوب ناسیونالیسم عرب باعث شده اند که کارگران نسبت به منافع طبقاتیشان ناآگاه بمانند. به این معنی مانع سر راه جنبش کارگری بیش از هر چیز ناآگاهی طبقاتی کارگر است. معتقدم اگر روزی جنبش کارگری بافت روشنی به میدان بیاید میتواند موانع موجود را از سر راه بردارد. آنچه بیش از هر چیزی برای ما ضروریست بالا بردن آگاهی طبقاتی کارگران است بطوریکه بتوانند خواسته‌های خود را به خوبی بشناسند و طرح کنند، این فقر و بیکاری را محصول نفس نظام سرمایه‌داری بدانند. ما باید مشکلات جدی و اساسی درون صفوف کارگران را بشناسیم و برای حل آنها بکوشیم. از ایجاد تشکل کارگری تا ایجاد رابطه بین کارگران کرد و عرب تا ساختن یک حزب کارگری، هر مانعی را که هست بکوشیم کنار بزنیم.

### گرایشات گوناگون درون جنبش کارگری عراق کدامند و گرایش کمونیستی از چه موقعیتی برخوردار است؟

در جنبش کارگری عراق گرایشات زیادی عمل میکنند، مثلا ناسیونالیسم، رفرمیسم و لیبرالیسم هریک به شیوه ای فعال هستند.

سنگینی آن به گروه کارگر افتاده، طبعا مشغله کارگر را به آنجا میبرد که بطور از پس این مشقات هر روزه برآید. حتی با يك وعده غذا بر نمیآید. روشن است که با چنین وضعی کارگر نمیتواند به مبارزه و چگونگی مبارزه علیه سرمایه دار بپردازد. حتی این فشار اقتصادی مجال هرگونه همفکری را از کارگران سلب کرده است. بعلاوه تعطیل مراکز کار به دلیل ترسیدن مواد لازم بیکاری وسیعی را سبب شده که این هم به نوبه خود باعث پراکندگی بیشتر کارگران شده است.

### در جریان تحولات داخلی عراق، در کردستان شوراها در کارخانجات و محلات تشکیل شدند. این شوراها با چه موانعی روبرو بودند؟

تا آنجا که من از شهر اربیل خبر دارم دو مشکل اساسی سد راه شکوفائی شوراها بود: اول کشمکش که بین شوراهای مردم و شوراهای کارگری درگرفت، بعضیها شوراهای مردم را تماما رد میکردند و بعضی دیگر شوراهای کارگری را. اینها در واقع ماهیت شورا را درک نمیکردند بخصوص این مسئله که شورای مردم باید توسط خود مردم اداره شود. در کل هرکس با درک متفاوتی که از شورا و حاکمیت شورائی داشت باین مساله نگاه میکرد. مشکل دوم کشمکش با گرایش ناسیونالیستی و «جبهه کردستان» (مشکل از احزاب سیاسی کردستان عراق از جمله حزب دموکرات به رهبری بارزانی و اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی) بود که میخواستند در شوراها را ببندند یا سد و مانع در راه پیشرفت آن ایجاد کنند. در اربیل ما با این مشکل اینطور روبرو شدیم که مستقیما بگویند در شورا را ببندید، ولی در سلیمانیه چرا. آنجا «جبهه کردستان» از رادیو اعلام کرده بود که شوراها باید منحل شوند. حتی در برابرشان ایستادگی شد و طرفداران شوراها شعار میدادند که ما شوراها را تعطیل نمیکشیم. در اربیل مساله باین شکل نبود، اما ترس و وحشت از «جبهه کردستان» و ذهنیت ناسیونالیستی که «جبهه باید در اداره شورا دخالت کند» یا ترس باین صورت که «آیا جبهه راضی است ما شورا تشکیل بدهیم؟» سبب شده بود بر سر راه کارگران.

### به نقش ناسیونالیستها اشاره کردید، ممکن است بگویند موضع اساسی جریانات ناسیونالیست چگونه بود؟

اصولا ماهیت ناسیونالیسم در برخورد به شورا ضدکارگری بود، باین معنی که بنظر من تعرضی که علیه تنها دستاورد کارگران صورت دادند از برنامه و تفکرشان در دفاع از امپریالیسم و سرمایه داری سرچشمه میگرفت. اینطور نبود که فقط خواسته باشند شوراها را برچینند، ناسیونالیستها می دانستند که اگر شوراهای کارگری پایگیرند چه ضربه ای به بنیاد سرمایه داری میزنند. اما چون نمی توانستند مستقیما با شوراها درگیر شوند از طریق رادیو و نشریاتشان با آن دشمنی میکردند.

### نشریه دنیای کارگران را از طریق کارگر امروز نیز می توانید تهیه کنید



در این میان ناسیونالیسم قویترین گرایش است که نفوذ زیادی بر کارگران دارد. گرایش کمونیستی بحکم اوضاع بین المللی تحت فشار است و در کردستان هم از جانب گرایشات غیرکارگری و بورژوازی مورد تعرض قرار گرفته است. ولی این گرایش علیرغم ضعف موقعیت، در مقابل نظام سرمایه داری و گرایش ناسیونالیستی تسلیم نشده و علیرغم همه فشارها ساکت نمانده است و حرف خود را زده است.

### طی دوره اشغال کویت، لشکرکشی آمریکا و جنگ خلیج چه تغییراتی در وضعیت کارگران بوجود آمد و موضع کارگران چگونه بود؟

در جریان اشغال کویت هرچند حکام و شروتمندان کویت زیر ضرب بودند اما کارگران کویت هم مورد تهاجم قرار گرفتند و دچار خانه خرابی و آوارگی شدند. ولی هجوم آمریکا به عراق بلافاصله وضع زندگی مردم را از نظر اقتصادی بهم ریخت. این تهاجم در وهله اول تهاجمی علیه کارگران و زندگی خانواده کارگر بود که از همان روز اول با بیکاری و گرانی روبرو شد. تهاجمی بود مستقیما علیه مبارزه کارگری، علاوه بر آوارگی و کشتار جمعی، با تعطیل مراکز کار و بیماران کارخانه ها دهها هزار کارگر بیکار و آواره و تعداد زیادی کشته شدند. بجز این سود دیگری برای ما نداشت. موضع کارگران اینطور نبود که به شیوه مستقیم این جنگ را محکوم کنند، صف خود را از بورژوازی جدا کنند و یا بر اینکه این جنگ قبل از هر چیز تهاجمی علیه زندگی و مبارزه آنهاست آگاه باشند و در این زاویه آن را محکوم کنند و سیاست معین خودشان را اعلام دارند. بطور پراکنده درباره محکوم بودن این جنگ صحبت میشد ولی این به یک نیروی اجتماعی تبدیل نشد نه در کردستان نه در جنوب. شیوه دیگری از مبارزه شرکت نکردن در جنگ و فرار سربازان از جبهه های جنگ حتی بطور دسته جمعی بود. اینکه کارگران با صف مستقل خود علیه جنگ بایستند البته اتفاق نیفتاد ولی بطور پراکنده چرا. در کردستان بدلیل درنده خونیهای چندین ساله رژیم عراق که آتشمه فاجعه و بدبختی به روز کارگران آورده بود و دهها هزاران کارگر در بدر کرده بود، مردم از اینکه آمریکا عراق را بزند و ضعیف کند خوشحال بودند. اگر در جنوب کارگران زیر این تهاجم بودند، کارگران کرد این تهاجم را علیه خودشان نمیدانستند، که دلیل آن ناسیونالیسم بود. از آن روز تا حال ناسیونالیسم روز به روز بیشتر نقش بازی کرده و موقعیت خودش را محکم کرده است.

### محاصره اقتصادی چه تاثیری بر زندگی و مبارزه کارگران داشته است؟

محاصره اقتصادی عراق، قبل از هر چیز یورش بر زندگی کارگر و زحمتکش است. این محاصره ایست برای به زانو در آوردن جنبش کارگری برای تحمیل بیکاری و فقر و گرسنگی بیشتر بر کارگران. محاصره اقتصادی عراق فشار بر سرمایه دار نیست بلکه زندگی کارگر را به مخاطره جدی انداخته است. درست است که سرمایه دار هم ناراضی است اما فشار روی کارگر است. کارگر با آنچه امروزه در میآورد نمیتواند زندگی خانواده اش را بچرخاند و طبعا این وضعیت روی مبارزه کارگری هم تاثیر گذاشته است. وضع کنونی عراق که

خاطرات دوران سپری شده ۲۷۸ صفحه  
خاطرات و اسناد یوسف افتخاری  
۱۳۲۶-۱۳۹۹  
به کوشش: کاوه یات / مجید قریشی  
میتوانید این کتاب را که توسط دوستانمان کارگر امروز بازتکثیر شده، از طریق مکاتبه با ما سفارش دهید.  
بهای کتاب با هزینه پستی در اروپا معادل ۶۰ کرون سوئد، در آمریکا و کانادا ۸۰ کرون.

يك فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن میگوید  
یادداشتهایی درباره يك قیام، يك پیروزی و يك تکتک  
این کتاب را از طریق کارگر امروز هم می توانید تهیه کنید  
بها با هزینه پستی اروپا: ۳۵ کرون سوئد  
آمریکا و کانادا: ۴۵ کرون سوئد

مراکز فروش کارگر امروز انگلستان  
دانمارک اتریش - وین آلمان آمریکا  
Spara Liner Stortorget 21 Malmö  
I.F.R. Davidhallgatan 23 211 45 Malmö Tel: 040-119230  
Röda Stjärnan Bokhandel Fjärde Långgatan 8 B Göteborg  
Seluhallen Kungälvsplassen Skutervägen 21 Göteborg  
Röda Rummet Bokhandel Storgatan 15 Göteborg  
International Press Södergatan 20 203 12 Malmö  
Röda Stjärnan Ystadgatan 15 214 24 Malmö Tel: 040-920340  
Karl Winter OHG Buchhandlung Landesgerichts str. 20  
Kaisplatz Passage Lokal 14  
U2 Station Mariähufer str. Zerschiffenplätzen  
Flomarkt: Jeden Samstag  
Zambon-Verlag Leipziger str. 24 6000 Frankfurt 90 Tel: 779223  
Heinrich-Hain Buchhandlung Schüter str. 1 2000 Hamburg 13  
Buchladen Oster str. 156 2000 Hamburg 20  
Des Arabische Buch Buchhandlung Knebeck str. 16 D-1000 Berlin 12 Tel: 030-3138021  
Tasvir Gallery 18154 Sherman Way Redwood, CA 91335 Tel: 818-3446494  
1387 Westwood Blvd. Los Angeles, CA 90024 Tel: (213)477-7477

نامه

به سردبیر

نامحالی که به قصد درج در این ستون ارسال می شوند باید: ۱- کوتاه باشند ۲- تأیید شده یا کاملاً خوانا باشند ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، تصریح شود تا امضاء محفوظ بماند - کارگزار امروز در انتخاب و تلفظ نامها آزاد است.

درباره اول ماه مه سال ۵۸ تهران

یک اشتباه تاریخی

سردبیر کارگر امروز!

در نشریه شماره ۲۵، در مطلبی بنام "یادی از اول ماه مه سال ۵۸ تهران" اشتباه بزرگی صورت گرفته است. بدین شکل که در جلوی صف هزاران کارگر بیکار و پشت سر آنها صدها هزار کارگر از کارخانجات مختلف در حرکت بودند.

همزمان با نشریه کارگر امروز در نشریه دیگری بنام "کارگر تبعیدی" شماره ۱۵ چنین اشتباهی مجدداً تکرار شده است بدین شکل که "در سال ۵۸ با عظمت ترین و پرشکوهر ترین بزرگداشت اول ماه مه در تهران برگزار شد و صدها هزار کارگر در کنار هم قرار گرفتند و گوشه ای از عظمت خود را به چشم دیدند."

لازم به توضیح است که اکثریت فعالین اول ماه مه ۵۸ تهران زنده هستند و تعدادی از آنها در خارج بسر می برند.

واقعیت اینست که در آن روز نه "صدها هزار کارگر از کارخانجات تهران" بلکه حدود ۱۰ هزار نفر کارگر که شامل کارگران

بیکار و کارگرانی از کارخانجات و کارگاههای تهران بودند، در این تظاهرات شرکت کردند. اگر فراموش نکرده باشیم ارزیابی فعالین آن روز این بود که "کارگران کارخانجات بیشتر از سه هزار نفر نبودند." گذشته از آن برای هر انسان واقع بینی روشن است که اگر طبقه کارگر ایران در چنان وضعیتی بود که صدها هزار کارگر تهران در تظاهرات اول ماه مه "خانه کارگر" شرکت میکردند، حتماً انقلاب ایران شکل و محتوای دیگری بخود میگرفت و اگر بر فرض محال جمهوری اسلامی بقدرت میرسد حتماً قادر نبود چنان ساده دستاوردهای انقلاب را بزودی پس بگیرد و جنبش کارگری را سرکوب کند.

و اما ماجرای اول ماه مه تهران در سال ۵۸:

به فراخوان "شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه" تظاهرات از خانه کارگر مستقر در خیابان ابوویحان شروع شد. این "شورا" حاصل اتحاد موقتی "کارگران بیکار تهران"،

"شورای موسس اتحادیه سراسری کارگران"، و "شورای موسس اتحادیه کارگران پروژه ای" بود. البته کم و کیف و واقعی بودن هر کدام از این نهادها بررسی جداگانه ای را می طلبد. در آنزمان سازمانها و گروههای چپ رادیکال از این فراخوان پشتیبانی کردند. در آن روز حدود ۱۰ هزار کارگر که شامل کارگران بیکار و کارگرانی از کارخانجات و کارگاههای تهران بودند در جلوی صف با حمل شعارها و پلاکاردهای خود حرکت میکردند و پشت سر آنها یک جمعیت حدوداً سیصد هزار نفره که شامل افراد معترض، رادیکال و نیروی سازمانها و گروههای چپ و رادیکال بود، قرار داشتند. لازم به توضیح است که کارگرانی که هوادار و یا فعال سازمانهای چپ بودند اکثراً در صف جلو که در واقع صف کارگران بود به تظاهرات مشغول بودند.

البته در آن روز مراسم های دیگری نیز وجود داشت.

۱- سازمان مجاهدین و نهاده تحت پوشش آن "انجمن کارگران مسلمان" در دانشگاه میتینگ و سخنرانی برگزار کردند.

۲- جمهوری اسلامی و حزب الله مراسمی در میدان فویزه برگزار کردند که بیشتر در رابطه با ترور مطهری و مقابله با گروههای سیاسی بود.

۳- حزب توده تحت پوشش تعدادی "سندیکای اصناف تهران" تظاهراتی از میدان توپخانه به مقصد میدان فویزه برگزار کرد. آنها قصد ادغام و پیوستن به اجتماع حزب الله را داشتند. لیکن نیروهای حزب الله، علیرغم اینکه حزب توده عکسهای خمینی و پلاکاردها و شعارهایی به دفاع از رژیم داشت، در بین راه آنها را متفرق کردند و مانع رسیدن آنها به میدان فویزه شدند.

ناصر یادگار ۱۹۹۲/۶/۸ - آلمان

شده و به قاره جدید برده میشوند. اما آیا اینطور که ما در این قطارهای دو سره شلوغ به هم فشرده میشویم غیر انسانی تر نیست؟ از خیلی لحاظ، کارگران پیشماری که در این دوره وجود دارند شبیه برده ها هستند. پول ما را خریده و ساعات زمان، ما را در خود بند کرده است. حداقل برده ها وقت غذا خوردن با خانواده خود را داشتند.

آمارگیری کمپانی بیمه "فوکوکو" حقایق تکان دهنده ای را آشکار میکند. بیش از چهل درصد کارگران ژاپنی فکر میکنند که نه در اثر مرگ طبیعی بلکه در اثر شدت کار خواهند مرد. و در جواب به این سؤال که راه علاج چیست بیش از ۸۵ درصد فکر میکنند که باید خواب و استراحت بیشتری داشته باشند. کارگران ژاپنی علاوه بر ساعات کار طولانی، روزی دو تا سه ساعت را هم در قطارهای شلوغ، صرف رفت و آمد به محل کارشان میکنند.

اعتراضات و مبارزات سالهای اخیر کارگران ژاپن علیه شدت و ساعت کار تیب شده که در سال ۱۹۸۷ وزیر کار ژاپن، طی طرحی شرکتها و موسسات ژاپنی را به کاهش ساعات کار و استفاده بیشتر از تعطیلات و ادا دارد. بعد دولت طرحی را اعلام داشت که به موجب آن ادارات و موسسات دولتی یک شنبه در میان تعطیل باشند و بالاخره در روز تعطیل در هفته نیز توسط وزارت بازرگانی پذیرفته شد. همین وزارتخانه روز بیست و دو نوامبر را هم روز "زوجما" اعلام کرد و از شوهران خواست که در این روز همسران خود را برای شام بیرون ببرند.

شدت و ساعت طولانی کار در ژاپن "کاروشی" را بعنوان یک بیماری متداول در میان کارگران، در جامعه بر سر زبانها انداخته است. "کاروشی" بطور لفظی بمعنی مرگ از کار زیاد است. چندین سال است که هر ساله در ژاپن بیش از ده هزار نفر بعلت "کاروشی" جان خود را از دست میدهند.

از دهه ۱۹۷۰ "یوماتا" که کار او بر روی این موضوع، پیشرفته ترین کار در ژاپن است، مشغول بررسی ارتباط بین فشار روانی در محیط کار و مرگ ناگهانی بوده است. "یوماتا" پنج الگوی کار را که میتوانند به از بین رفتن کارگران منجر شوند چنین معرفی میکند: ساعات کار فوق العاده طولانی و یا کار شبانه که

کاروشی او را کشت

تهیه و تنظیم از: بیژن هدایت

صبح روز پنج فوریه ۱۹۸۷ دکتر اعلام کرد که "توشیتسو گویاگی" در چهل و سه سالگی در اثر انفارکتوس حاد ماهیچه قلب در گذشته است. هنگامی که "میتسو" فرصت کرد در لابلای آن وحشت کمی بیندیشد، با خودش فکر کرد "کاروشی او را کشت". این مشکلی است که "میتسو" برای اثباتش چهار سال گذشته را جنگیده است. درباره ژاپن معمولاً با ترکیب متغیری از کنجکاوی، احترام و حتی ترس اندیشیده میشود. چگونه یک کشور تقریباً کوچک، بدون منابعی که در جنگ جهانی دوم ویران شده بود، توانست روی پای خود بایستد و بزرگترین قدرت اقتصادی جهان شود. با اتکا به سیستم مدیریت ژاپنی؟ کار به شدت سازمان یافته؟ و یا قراردادهای بین دولت و صنایع برای مقابله با رقابتهای خارجی؟ همه اینها به جای خود درست هستند.

واقعیت اما، آشکار اینست که اقتصاد قدرتمند ژاپن بر دوش طبقه کارگر سخت کوش این کشور بنا شده است. کارگران ژاپنی حداقل ۲۲۰۰ ساعت در سال کار میکنند و این مقدار صدها ساعت بیشتر از کارگران آمریکایی و ۵۰۰ ساعت بیشتر از آلمانی ها و فرانسوی هاست. در ژاپن اضافه کاری بعدی یک امر عادی است که پرداخت دستمزد برای آن، قسمتی از دستمزد معمول به حساب می آید. هنگامی که تقاضا برای کار افزایش می یابد، ساعات کار نیز بطور طبیعی زیاد میشود. حتی شنبه در ژاپن برای بیشتر شرکتهای کوچک و متوسط یک روز کاری است. کارگران ژاپنی، جز تعطیلات ملی بطور متوسط تنها نیمی از تعطیلات استحقاقی خود، یعنی در حدود هشت روز در سال را استفاده میکنند.

بردگی مشدد کارگران ژاپنی، این کشور را به غول اقتصادی جهان معاصر تبدیل کرده است. "توشیتسو گویاگی" در بخشی از یادداشتهای روزانه اش که چند ماه پیش از مرگش نوشته است میگوید: "مردم به یک زندگی بیهوده و برده مانند عادت میکنند. زمانی برده ها به کشتیهای برده کش زنجیر

برگی از تاریخ

کوشه‌ای از تاریخ شکل یابی کارگران ایران

ا. سلطانزاده

برای ترسیم دورنمای آتی جنبش کارگری در ایران و نشان دادن آن رشته های تولیدی که کارگانشان به عضویت اتحادیه ها در می آیند، آمار زیر را می آوریم. البته در این آمار فقط کارگاهها و موسسات تبریز و تعداد کارگران آنها در اوائل سال ۱۹۲۲ نشان داده شده ولی نمونه مشخصی برای سایر شهرهای ایران نیز هست. در این آمار عدد اول نشاندهنده تعداد کارگاه یا موسسه است و عدد دوم تعداد کارگران -

فرش بافی، ۱۷۵ - ۲۲۲۵ کارگر، نخریسی ۲ - ۱۵۰ کارگر، بافندگی (فاستونی) ۱۰ - ۲۰۰ کارگر، بافندگی (عبا) ۱۰ - ۱۰۰ کارگر، بافندگی ۲۰ - ۱۰۰ کارگر، بافندگی (شال) ۳۰ - ۱۸۰ کارگر، ظروف چینی بدلی ۱۰ - ۵۰ کارگر، چاپخانه ۸ - ۱۲۰ کارگر، بانسه ۷ - ۳۵ کارگر، دخانیات ۳۰ - ۳۰۰ کارگر، پایپروس سازی ۵ - ۵۰ کارگر، آجرپزی ۵ - ۵۰ کارگر، باروت سازی ۳ - ۳۰ کارگر، دوشاب ۲۰ - ۱۰۰ کارگر، زنگری ۴۰ - ۲۰۰ کارگر، صابون پزی ۱۰ - ۶۰ کارگر، آهن گدازی و گچ پزی ۵ - ۵۰ کارگر. بنسایرین در مجموع ۲۸۱ کارگاه، ۴۴۰۰ کارگر کار میکنند.

به این فهرست باید کارگاههای زیر را افزود:

- کارگاههای کوچک صنعتگری نظیر آهنگری، ریختگری، چلنگری، جوراب بافی، نانوایی و غیره: ۱۰۹۰ کارگاه، ۴۶۸۰ کارگر.

- سایر کارگاههای پیشه وری: دباغی و سراجی، سلمانی و مواد غذایی ۴۷۰ کارگاه ۱۹۴۲ کارگر.

- موسسات بازرگانی و بنگاههای معاملاتی: ۱۸۶۵ کارگاه ۳۸۶۵ کارگر.

- تعداد مفتی ها، ستاها، سنگتراشها، باربرها و غیره ۵۵۲۵ کارگر.

- در ادارات و موسسات دولتی ۵۳۰ کارگر.

- کارگران سایر حرف، دلها، ارابه چپها، باغبانها و غیره ۲۰۰۰ کارگر.

بدین ترتیب تعداد افراد مزد بگیر در تبریز برابر با ۲۲۹۴۲ نفر است و اگر خدمتکاران منازل و بیکاران را که تعداد شان در ایام اخیر بعلت بحران اقتصادی افزایش یافته بر

این رقم علاوه کنیم اتوقت رقم کل به حدود ۳۰ هزار نفر خواهد رسید. تبریز از بسیاری لحاظ یک نمونه کامل برای سایر شهرهای بزرگ ایران مثلاً اصفهان، شیراز، کرمان، یزد، تا حدی رشت، مشهد، قزوین و غیره بشمار میرود. و اما در باره تهران باید خاطر نشان کرد که طبق آخرین آمار در اینجا تعداد افرادمزد بگیر ۵۰۰۰۰ نفر است.

بهره کشی استثمار در این کارگاهها و موسسات واقعا وحشتناک است. تقریباً هیچ قانونی در باره مدت کار روزانه وجود ندارد و بهمین سبب هر کارفرمایی هر طور دلش خواست با کارگران رفتار میکند. بخصوص صاحبان کارگاههای کوچک بیداد میکنند. در این کارگاهها ۱۱ - ۱۲ ساعت کار روزانه یک امر عادی محسوب میشود.

استثمار در کارگاههای قالببافی که کارفرماها بمعنای واقعی کلمه عرق زنان و کودکان را در میاورند، وحشتناک است.

بقیه در صفحه ۱۲

قابل توجه خوانندگان کارگر امروز

ستون "برگی از تاریخ" که در آن اسناد جنبش کارگری جهان چاپ می شود به کمک شما احتیاج دارد. آرشو کارگر امروز از این نظر بسیار ناقص است و لذا از خوانندگان نشریه تقاضا داریم تا چنانچه کتاب، مقاله، اعلامیه، عکس و یا هر سند دیگری که در این زمینه دارند یک نسخه و یا کپی آنرا به نشریه کارگر امروز هدیه کنند.

بقیه در صفحه ۱۲

عده‌ای از کارگران اربیل کردستان عراق

اعتراض علیه بیکاری

۶۰۰ هزار کارگر در آلمان

مرکز خبری کارگر امروز:

اتحادیه های کارگری شرق آلمان در اعتراض به طرح خصوصی کردن بنگاهها برای روز ۲۸ ژوئن فراخوان تظاهرات دادند.

به گزارش تایمزمالی، قرار است تظاهرات در مقابل ساختمان اصلی آژانس "تروهند" در برلین که وظیفه خصوصی کردن بنگاهها را بعهده دارد صورت گیرد. طبق طرح این شرکت در طی چند ماه آتی بیش از ۶۰۰ هزار کارگر بیکار خواهند شد. اولین بیکارسازیها روز ۲۹ ژوئن خواهد بود که تحت عنوان بازسازی و خصوصی کردن کمپانیهای دولتی ۱۵۰ هزار نفر شغل شان را از دست خواهند داد.

این بیکارسازیهای وسیع نرخ بیکاری در شرق آلمان را به ۱۴٪ درصد خواهد رساند.

مرکز خبری کارگر امروز:

طی ماههای گذشته کردستان عراق شاهد چندین مبارزه کارگری بوده است. به علاوه بمناسبت روزهای هشتم مارس، روز جهانی زن و اول ماه مه مراسم سخنرانی، جشن و تظاهرات برپا شده است. همچنین عده ای از کارگران شهر اربیل با صدور اطلاعیه ای خطاب به اتحادیه های کارگری اروپا و آمریکا ضمن تشریح اوضاعی که در آن پسر می برند خواستار حمایت این تشکلهای کارگری از مبارزات خرد شده اند. بخشهایی از این اطلاعیه و خبر دو اعتراض کارگری را در زیر خواهید خواند.

نفت کرکوک

در ماه مارس کارگران نفت کرکوک از جمله برای سرویس رفت و آمد، مسکن و نحوه تقسیم پاداش دست به اعتراض زدند.

جوجه کشی اربیل

نگهبانان کارخانه جوجه کشی اربیل برای مطالبات خود دست به اعتراض زدند و به بخشهایی از آن و از جمله افزایش دستمزد و مرخصی دست یافتند. علاوه بر این

هر صدای اعتراض ما به درنده ترین شیوه سرکوب شده است

جمعی از کارگران با صدور اطلاعیه ای کارگران را به ایجاد تشکل مستقل طبقاتی فراخواندند. طی این اطلاعیه کارگران از جمله خواستار آزادی بدون قید و شرط اجتماع، اعتصاب و تشکل، ممنوعیت اخراج و اضافه کاری و ۴۰ ساعت کار در هفته شده اند.

اطلاعیه عده ای از کارگران اربیل

در بخشی از اطلاعیه ای که عده ای از کارگران اربیل خطاب به اتحادیه های کارگری اروپا و آمریکا صادر کرده اند، آمده است "ما کارگران دهها سال است که زیر یوغ رژیم بعث سرمایه تحت اذیت و آزار وحشیانه این حکومت سیاه قرار گرفته و از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم هستیم. حق تشکل مستقل، حق اعتصاب و تظاهرات ... از ما سلب شده و هر صدای اعتراض ما به درنده ترین شیوه سرکوب شده است."

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است "هزاران نفر از ما بیکارند بدون اینکه بیمه بیکاری دریافت کنند. هزاران نفر از ما بطور مستمر دستگیر و اعدام می شوند بدون اینکه از جانب کسی حمایت شویم.

اخبار کوتاه

بریتانیا،

اعتصاب برای افزایش دستمزد

روز ۲۷ ژوئن، رهبران اتحادیه از ۴۵ هزار کارگر شافل در شرکت گاز بریتانیا خواستند که در اعتراض به پیشنهاد ۴/۳ درصد افزایش دستمزد دست به اعتصاب بزنند.

در همین روز اتحادیه کارگران ارتباطات نیز پیشنهاد ۴/۱ درصد افزایش دستمزد برای ۲۰ هزار کارگر شرکت تلفن را رد کرد و خواهان افزایش بیشتر دستمزد شد.

ترکیه،

اعتصاب کارگران نفاثچی

با صدور قرار اعتصاب از سوی اتحادیه های کارگران نفاثچی، ۱۳۰ کارگر در ۵ خوابگاه، دانشجویی متعلق به وزارت دفاع دست به اعتصاب زدند. افسران مسئول خوابگاهها می گویند که اخبار اعتصاب نباید در روزنامه ها منعکس شود. مطالبه کارگران افزایش دستمزد است.

فرانسه،

اخراج به بهانه اعتراض به حذف سرویس

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۲۵ مه، مدیریت کارخانه ریسندگی "کاولیز - فرور" با ارسال نامه به کارگزارانیکه از سرویس استفاده می کنند اعلام کرد که از اول ماه سپتامبر سرویس وجود نخواهد داشت و هر کس به این مسئله اعتراض کند اخراج خواهد شد!

به گزارش نشریه "لوت اووریه" چاپ فرانسه، مدیریت از کارگران خواست با امکانات خودشان در محل کار حاضر شوند و به این منظور هیچ غرامتی پرداخت نخواهد شد. کسانی که از سرویس کارخانه استفاده می کنند باید روزانه مسافتی برابر با ۱۵۰ کیلومتر را طی کنند. از آنجا که دستمزد کارگران این کارخانه اغلب پایین است کارگران از عهده هزینه ایاب و ذهاب بر نمی آیند و حتی اگر هم بخواهند نمی توانند از وسائل نقلیه عمومی استفاده کنند زیرا که در ساعت ۵ صبح هیچ قطاری در مسیر کارخانه وجود ندارد.

اعتصاب کارگران کشاورزی ترکیه علیه غم مخالفت دولت

مرکز خبری کارگر امروز:

۱۰۶۰۰ کارگر بخش کشاورزی علیرغم مخالفت دولت "دمیرل" اعتصاب خود را آغاز کردند. این اولین باری است که حکومت "دمیرل" رسماً با اعتصاب کارگران مخالفت می کند. هیئت دولت در نشست رسمی خود اعتصاب را به مدت ۶۰ روز به تعویق انداخت. دلیل دولت این بود که اعتصاب با "بهداشت عمومی" و "امنیت ملی" کشور مغایرت دارد.

بریتانیا،

قرارداد جدید کارگران ساختمانی

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۱۲ ژوئن، اتحادیه کارگران ساختمانی در طی مذاکرات پیشنهاد ۲/۵ درصد افزایش در پایه دستمزد را برای ۶۰۰ هزار کارگر ساختمانی پذیرفت.

به گزارش تایمز مالی، قرارداد جدید حاصل مذاکراتی است که پس از تهدید یکی از اتحادیه ها به اعتصاب صورت گرفت. کارفرماها قصد داشتند که دستمزد کارگران را ثابت نگه دارند. در اوائل ماه ژوئن کارگران ساختمانی در برخی از نقاط لندن دست به بیعت زدند.

اعتصاب عمومی در اسپانیا

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۲۸ مه، به فراخوان اتحادیه های کمیسیون کارگری و "اوبوت" کارگران اسپانیا دست به اعتصاب یکروزه زدند.

به گزارش "لوت اووریه" چاپ فرانسه، این اعتصاب در اعتراض به اتخاذ قانون جدیدی از طرف دولت و اجرای آن از ۸ مارس ۹۲ صورت گرفت. طبق قانون جدید مدت زمانیکه هر شخص برای بهره مند شدن از بیمه بیکاری باید کار کند از ۶ ماه به یک سال افزایش یافت. همچنین طبق قانون جدید بیمه بیکاری نیز کاهش یافته است و علاوه بر این به کسانی که از رفتن به دوره کارآموزی به هر دلیلی خودداری کنند - مثلا اگر حقوق دوره کارآموزی کمتر از بیمه بیکاری باشد و یا اینکه دوره کارآموزی هیچ ربطی به حرفه شخص مربوط نداشته باشد! - پولی تعلق نخواهد گرفت و تمام غرامتی که از این بابت می توانند دریافت کنند، قطع خواهد شد. این قانون برای اسپانیا که ۱۶/۴ درصد از جمعیت فعالش بیکارند بسیار گران تمام

بقیه از صفحه اول

تصمیم کشورهای بازار مشترک درباره ساعت کار

این اقدامات همه در حد پیشنهاد هستند و هنوز به تصویب نهایی نرسیده اند. تورمن ویلیس رئیس کنفرانس اتحادیه های کارگری اروپا از تغییر در محدودیت ساعات کار استقبال کرده است. از طرف دیگر سازمانها و اتحادیه های کارفرماها اظهار نگرانی کرده اند و در مقابل پیشنهاد داده اند که تعیین ساعات کار سالانه سوده آوری بیشتری نسبت به محدودیت حداکثر ساعات کار هفتگی دارد. بطور مثال پیشنهاد شده است که ۱۷۶۴ ساعت کار سالانه بهتر از ۳۸ ساعت کار در هفته است. بدین صورت کار با انعطاف پذیری بیشتری صورت می گیرد. به عبارت دیگر کارفرما می تواند ساعات کار روزانه را با در نظر گرفتن وضعیت بازار و درجه سوده آوری تولید در آنروز تعیین کند. کارگران در این صورت مجبورند مثلا روزهایی ۱۰ ساعت و روزهای دیگر ۵ ساعت کار کنند.

یکی دیگر از جنبه های این سیستم که بنفع کارفرماهاست، کاهش اضافه کاری خواهد بود که خود در هزینه تولید صرفه جویی میکند.

مرگ ۵۵ کارگر معدن در اوکراین

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۹ ژوئن، در انفجاری که در یک معدن در منطقه "گوهانسک" در اوکراین و بر اثر تراکم گاز متان روی داد حداقل ۵۵ کارگر معدن کشته شدند.

به گزارش تایمزمالی، گروههای نجات اجساد ۵۵ کارگر را از اعماق زمین بیرون کشیدند. قبل از این واقعه معدنچیان ناحیه دونباس قصد داشتند در مقابل پارلمان اوکراین در "کیف" دست به بیعت بزنند. انتظار می رود که با فاجعه اخیر و تشدید خشم معدنچیان اعتراضات و اعتصابات در این منطقه صورت گیرد.

یکی از رهبران اتحادیه معدنچیان اعلام کرد که بزودی کارگران معدن مبارزانشان را برای افزایش دستمزد، استقلال اقتصادی بیشتر در منطقه و همچنین برکناری نخست وزیر "ویتولد فوکین" آغاز خواهند کرد.

متوسط ۲۰۵۲ ساعت در سال کار می کند. آمار اتحادیه وابسته به دولت این رقم را ۲۴۰۰ ساعت اعلام کرده است.

مدیران معتقدند که کارگران ژاپنی بخاطر امید به ارتقای مرتبه شغلی و افزایش دستمزد (دستمزد پایه) پر کارند. ولی ۳۷ درصد مدیران گفته اند که کارگران ژاپنی اصولاً به کار خود عشق میورزند.

برخی مدیران به این توضیحات اکتفا نکرده و گفته اند که کارگران ژاپنی در فرهنگ "برنج کاری" یعنی کار دستجمعی رشد کرده اند در صورتیکه کارگران کشورهای غربی با روحیه شکارچی گری و فردی بزرگ شده اند. افراطی ترین جواب را معاون رئیس یکی از بزرگترین شرکت های ساختمانی داده است.

به نظر سوتو آکی کارگران ژاپن دارای ژنی هستند که آنها را پرکار بازمی آورد و کارگران کشورهای غربی چنین ژنی ندارند. قابل توجه است که همزمان با این تحقیقات پرستاران توکیو دست به اعتصاب زده بودند و با خواست "ما به تعطیلات احتیاج داریم" در خیابانهای توکیو راهپیمایی کردند.

می شود. بزودی این وضعیت وخیم تر نیز خواهد شد چرا که بعد از پایان نمایشگاه بین المللی و بازی های المپیک بارسلون، هزاران کارگر بیکار خواهند شد. در حال حاضر ۲۰ هزار کارگر ساختمانی با پایان یافتن کار نمایشگاه بیکار شده اند.

کار موقت و غیرثابت در اسپانیا بسیار متداول است. بطوریکه در سطح اروپا بالاترین نرخ کار موقت را اسپانیا با ۳۳ درصد دارد. با اجرای قانون جدید در فاصله دو کار موقت تنها ماهانه معادل ۲۲۰۰ فرانک به کارگر پرداخت می شود.

اجرای این قانون با یک کمپین از سوی دولت برای افشای حیل و تقلب کسانی که علاوه بر دریافت بیمه بیکاری به کار سیاه مشغول هستند، به همراه بود. در این کمپین دولت این اشخاص را عامل بالا رفتن تعداد بیکاران در اسپانیا اعلام کرد! آکسیون اعتراضی آتی اتحادیه های کارگری در اعتراض به سیاست دولت در ماه اکتبر خواهد بود.

# کارگاه امروز

## قرارداد تجارت آزاد، ضرورتها و نیازهای سرمایه

علی جرادى

قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی نقطه عطفی در پروسه چند دهه ادغام اقتصادی آمریکا، کانادا و مکزیک است. اتمام مذاکرات این معاهده و تصویب آن در استراتژی کمپانیها و همچنین بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهروندان این کشورها تأثیرات عمیقی میگذارد و تدریجاً منتج به ایجاد یک هویت و یک بلوک جدید اقتصادی در شمال قاره آمریکا خواهد شد. این قرارداد از یک طرف محصول خواستههای دیرینه بخشهایی از سرمایه در کانادا و مکزیک مبنی بر نزدیکی و ادغام هر چه بیشتر اقتصادی با سرمایه در آمریکا - که بیش از ۷۰ درصد مبادلات تجاری شان با آن صورت میگیرد - است و از طرف دیگر حاصل تلاش سرمایه در آمریکا برای تجدید سازمان اقتصادی و بهره برداری از نیروی کار ارزان جهت تحکیم و بازیابی موقعیت اقتصادی از دست رفته اش در سطح جهانی است.

تاریخچه

مذاکرات قرارداد تجارت آزاد با درخواست رئیس جمهور مکزیک کارلوس سالیناس در ماه جون ۱۹۹۰ به جریان افتاد. این درخواست در واقع به یک دوره طولانی کشمکش بین بورژوازی مکزیک برای تعیین چشم انداز سیاسی و اقتصادی خود خاتمه داد و آمادگی مکزیک را برای تعویض همه جانبه سیاست "وحشت از هژمونی آمریکا در منطقه" با سیاست واقع گرایی در بهره برداری از تحولات جدید در جهان ابراز کرد. دولت بوش نیز اهمیت تاریخی این اقدام را

برای سرمایه در آمریکا درک کرد و پروسه مذاکرات و توافقات قرارداد تجارت آزاد را به جریان انداخت. یکسال بعد، یعنی در جون ۱۹۹۱ هیئتهای متفاوتی از این کشورها مشغول بررسی رئوس و محورهای اصلی این معاهده بودند. کل این معاهده احتمالاً در اوتل سال ۱۹۹۳ برای تصویب به مراجع قانون گذاری این کشورها ارائه خواهد شد. دولت بوش در پایان تابستان ۱۹۹۱ لایحه ای را به تصویب کنگره آمریکا رساند که بر مبنای آن کنگره تنها حق خواهد داشت کل معاهده را به رای بگذارد و حق دخل و تصرف در معاهده و اصلاح آنرا مثلا در مورد شرایط کاری، حقوق اجتماعی و محیط زیست نخواهد داشت.

جزئیات قرارداد تجارت آزاد

قرارداد تجارت آزاد قرار است، محدودیتهای تجارتی از قبیل تعرفه گمرکی و سقف صادرات و واردات محصولات و خدمات از یک کشور به کشور دیگر را از میان بردارد و کلا منتج به ایجاد یک بازار مشترک در شمال آمریکا شود. لغو محدودیتهای تجاری در صنایع مختلف با یک زمانبندی و طی یک پروسه یک تا ۱۰ ساله صورت خواهد گرفت. کمیسیونها و هیئتهای این کشورها در حال حاضر در حال تکمیل و تعیین جزئیات این معاهده اند. کمیسیون تجارت بین الملل کالیفرنیا محدوده این معاهده را چنین توضیح میدهد: "هر دو دولت با مشاوره نزدیک با بخش خصوصی و سایر گروههای ذینفع، گستره مسائل مورد مذاکره را تعیین کرده اند. از نقطه نظر آمریکا هر چیزی به جز مهاجرت آزاد کارگران قابل مذاکره است." (منظور مهاجرت آزاد

مکزیک: پس از سقوط قیمت نفت در اوائل دهه هشتاد، رشد بی سابقه و وحشتناک بدهی های خارجی و عدم موفقیت در ادامه سیاست سازماندهی اقتصادی مبتنی بر رشد تولیدات داخلی جهت جایگزینی واردات و خودکفایی اقتصادی، اقتصاد مکزیک مشخصاً در سال ۱۹۸۲ با خطر واقعی ورشکستگی مواجه شد بود. میزان بدهی های خارجی عمق این بحران را نشان میدهد. بدهی های دراز مدت مکزیک از ۵/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۸۸/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ افزایش یافت. بهره سالانه این بدهی ها از ۲۸۳ میلیون به ۷/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ و یا از ۳/۵ درصد به ۸/۲ درصد تولید ناخالص ملی افزایش یافت. بدهی های کوتاه مدت و وام از صندوق بین المللی پول که اکثر آن صرف پرداخت بهره سالانه وامهای دراز مدت میشد از صفر در سال ۱۹۷۰ به ۱۲/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ افزایش یافت و مجموع بدهی های خارجی مکزیک را معادل ۱۰۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ کرد. تنها بهره چهار ماه اول بدهی های خارجی در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۷ میلیارد دلار بوده است.

سألهای اولیه دهه هشتاد در واقع سالهای شروع تعویض مدل اقتصادی، طرد سیاست دولتیگرایی اقتصادی، خصوصی کردن مؤسسات دولتی، تشویق گسترش صادرات، کاهش کسر بودجه و وارد شدن در معاهده عمومی در مورد تعرفه ها و تجارت بود. در این مدت مکزیک نیاز به گواهی برای واردات کالا را حذف کرد و صادراتش از نفت به کالاهای صنعتی تغییر کرد. برای مثال در سال ۱۹۸۲ صدور کالاهای صنعتی که ۱۴ درصد صادرات مکزیک را تشکیل میداد در سال ۱۹۸۹ به ۵۵ درصد افزایش یافت. از آنجا که بیش از ۸۵ درصد تولیدات صنعتی مکزیک راهی آمریکا و کانادا میشوند، اطمینان از دسترسی به بازارهای کشورهای شمالی قاره آمریکا برای آتیه اقتصاد آن نقش حیاتی یافت. قرارداد

تجارت آزاد در واقع تضمین کننده همین امر است. با آنکه درآمد حاصل از فروش نفت و وامهای تجاری، دیگر نیازهای مالی اقتصاد رو به رشد مکزیک را برای سرمایه گذاری برآورده نمی کرد اما تأمین این نیازها با توجه به تحولات اساسی جهان در اواخر دهه ۹۰ از هر زمان مهمتر و اساسی تر شدند. تغییر و تحولات در اروپای شرقی و شوروی نیاز و تقاضا برای سرمایه را در سطح جهان شدیداً افزایش داده است. بعلاوه مخارج ناشی از پروژه های بازسازی کویت در جنگ خلیج نیز بخش اعظم سرمایه های نفتی عربستان سعودی و کویت را جذب کرده است. باید افزود بلوک های اقتصادی معینی در حال شکل گیری هستند و برای مکزیک شرکت در یکی از قدرتمندترین این بلوکها حیاتی است زیرا تعلق به یکی از اصلی ترین این بلوکها انتخاب بهتری در مقابل آلترا نایو گسترش هتاهای تجاری در سطح جهان است. این تغییر و تحولات کارگران مکزیک را وارد یکی از پر مشقت بارتترین دوران حیات خود کرده است. سهم کارگران از درآمد ملی از ۴۹ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۲۸ درصد در سال ۱۹۸۹ کاهش یافت و متوسط دستمزد ساعتی کارگران از ۲ دلار در سال ۱۹۷۵ به ۱/۵۷ دلار در سال ۱۹۸۷ نزول کرد.

**کانادا:** اولین قدمهای توافقنامه تجارت آزاد آمریکا شمالی با قرارداد تجارت آزاد کانادا و آمریکا در ژانویه ۱۹۸۹ آغاز شد. قرارداد تجارت آزاد برای سرمایه در کانادا کم و بیش از همان ضرورتهای سرمایه در مکزیک برخوردار بود. اقتصاد کانادا و آمریکا در هم آمیخته است و در نتیجه تضمین دستیابی به بازار آمریکا عامل بسیار مهمی در تداوم گسترش حرکت سرمایه در کانادا است. کانادا با قبول واقعیههای جغرافیایی، در گسترش روابط تجاری اش بجای سیاست تعدد هتاهای تجاری، قرارداد تجارت آزاد را با آمریکا بقیه در صفحه ۷

### ضرورتها و روندهای اقتصادی شکل دهنده معاهده

معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی تغییرات مهمی در روند گسترش و حرکت سرمایه در سه کشور امضا کننده این قرارداد بجای خواهد گذاشت. این قرارداد مطلوبیت های متفاوتی برای امضا کنندگان آن دارد.

### لیست اقدامات ضد کارگری دولت سوئد

۲- اولویت بر اساس سن، سابقه کار و هر کس که آخر استخدام شده اول اخراج می شود، دیگر بعنوان یک اصل پذیرفته نیست. ۳- وظیفه کارفرما در یافتن کار مشابه برای کارگرانی که شغل ثابت داشته اند کمتر می شود.

**حق کارگران:** \* حق مذاکره در مورد بودجه از کارگران گرفته می شود. \* محل کار بدون داشتن نماینده اتحادیه قانونی خواهد بود. \* کارگران غیر متشکل از حق داشتن اطلاعات و تاثیر گذاری برخوردار خواهند بود.

**حق نمایندگی در سطح اجرایی:** \* سازمان هایی که خارج سیستم قرارداد دستجمعی می باشند از حق نمایندگی در سطح اجرایی برخوردارند. \* نمایندگان کارگران حق شرکت در جلسات کمیته کار و سایر کمیته های اینچنینی را ندارد.

**نمایندگان اتحادیه در محل کار:** \* محدودیت کار اتحادیه ای با حفظ حقوق و در طول ساعت کار \* تعطیلی برای فعالیت اتحادیه ای خارج از محل کار محدود می شود.

**تضمین شغل:** \* کارفرما اجازه دارد که: ۱- کار موقت را بیشتر از ۶ ماه تعریف کند، ۲- کار بشکل دوره امتحانی را بیشتر از ۶ ماه کند، ۳- کارفرما مجبور نیست نکات فرمال زیادی را در این زمینه رعایت کند.

### بقیه از صفحه اول

## تدارک برای اعتصاب سراسری در سوئد

از این میان ۴۸ هزار نفر بطور دراز مدت بیکار بوده اند. \* مبارزه علیه قوانین ضد اتحادیه ای: ماه پیش جریمه هر کارگری که به یک اعتصاب خارج از چهارچوب اتحادیه بپیوندد به ۲ هزار کرون افزایش یافت. \* مبارزه علیه خصوصی کردن صنایع و خدمات در سوئد که دولت با سرعت هرچه بیشتر مشغول اجرای آن است. روز ۴ ژوئن رهبری آل او جلسه ای فراخواند تا درباره اقدامات اتحادیه علیه دولت بحث و گفتگو شود. گروهی از نمایندگان اتحادیه های مختلف با در دست داشتن قطعه نامه ای مبنی بر اقدام فوری و اعتصاب سراسری روز ۶ اکتبر خود را به جلسه رساندند. این هیات شامل نماینده کارگران معدن و فابریک (بو لینداستروم و هانس لارسون) میشد که موفق شدند نیم ساعت با رهبری آل او مذاکره کنند. رهبری آل او ابتدا در مقابل این قطعنامه اظهار کرد که کسی در اکسیون سراسری شرکت نمی کند و اقدام موفقیت آمیزی نخواهد بود. نمایندگان اتحادیه کارگران خدمات اجتماعی استکهلم و چندین نماینده دیگر در پشتیبانی از این قطعنامه صحبت کردند. استیگ سالم رئیس آل او نگرانی خود را چنین ابراز کرد: من و رهبری آل او نگرانیم که اعتصاب سراسری موفق نشود و آبرویمان نزد وسایل ارتباط جمعی برود. ارائه کنندگان قطعنامه پس از بحث حول عمق فشارهای دولت علیه کارگران و وضعیت وخیم خدمات و رفاه اجتماعی و درجه آمادگی کارگران برای اعتراض، رهبری آل او را وادار کردند که روز ۶ اکتبر را بعنوان روز اعتصاب سراسری اعلام کند.

## اعتصابات کارگران شهرداری ترکیه

مرکز خبری کارگر امروز: بیش از ۶۵ هزار کارگر شهرداری در ترکیه در تب و تاب مبارزه برای افزایش بیش از ۲۰۰ درصد دستمزد هستند. کارگران شهرداری در اعتراض به دولت که با مطالبات آنها موافقت نکرد ابتدا از تراشیدن ریشههای خود خودداری کردند و یک تظاهرات پراکنده انجام دادند.

## ایمنی کار در آمریکا: سالی ده هزار کشته و ۶ میلیون زخمی

طبق گزارش فدراسیون سراسری اتحادیه های کارگران آمریکا، که در ماه آوریل منتشر شد، در آمریکا سالانه بطور متوسط ده هزار کارگر بر اثر سوانح کار جان خود را از دست می دهند. تعداد سوانح منجر شده به جراحات جدی و نقص عضو نیز سالانه بطور متوسط ۶ میلیون ذکر شده است. پنا به این گزارش، محل های کار در آمریکا بطور متوسط هر ۸۴ سال یکبار از نظر ایمنی مورد بازرسی قرار می گیرند، و خطرناکترین محل های کار مانند معادن، هر ۲۵ سال یکبار از جانب بازرسان ایمنی بطور سرزده و بدون اطلاع قبلی کارفرما بازرسی میشود.

بقیه از صفحه اول **۱۴ میلیون روز اعتصاب** اعتصابات در دوره های گذشته بوده است. در حالیکه با سرکار آمدن دولت "اوزال" و کابینه های مختلف اش این تفاوت سیاست گذاری از بین رفته و کارگران بخش دولتی همانند کارگران بخش خصوصی برای دستیابی به مطالباتشان اعتصابات وسیعی را برگزار کردند. "مصطفی کونداجچی" یکی از رهبران کارگران و نماینده منطقه ۳ اتحادیه "ترک - ایش" می گوید: "دلیل اعتصابات کارگران را باید از کارفرماها جویا شد". وی می افزاید: "تورم دلیل اصلی افزایش اعتصابات در سالهای اخیر است، در ۱۰ سال اخیر نرخ تورم بیش از ۵۰ درصد بوده است، درحالیکه ما بدنبال افزایش دستمزدهایمان بوده ایم کارفرماها ما را متهم به اتلاف روز کاری می کنند! وی گفت: "سهم طبقه کارگر ترکیه از درآمد ملی در سال ۱۹۸۱، ۳۰ درصد بوده است، درحالیکه این سهم در سال ۱۹۹۱ تا ۱۵ درصد کاهش یافته است". بنا به آمار وزارت کار و امور اجتماعی در سال ۱۹۸۶ در ۲۱ مرکز کاری اعتصاب صورت گرفته است که مدت آن ۲۳۴ هزار و ۹۴۰ روزکار بوده است. این رقم با یک افزایش سریع در سال ۱۹۹۱ در ۳۹۸ مرکز کارگری به ۳ میلیون و ۸۰۹ هزار روزکاری رسیده است.

## در پاسخ به فتوای آقای جلال طالبانی علیه شوراها و کارگری در کردستان عراق

## فتوای جلال طالبانی علیه شوراها و کارگری کردستان عراق

مرکز خبری کارگر امروز:

در دل اعتراضات مردم کردستان علیه رژیم عراق که بدنبال شکست نظامی عراق در جنگ با آمریکا و متحدینش روی داد، جنبش شورایی نیز سر بر آورد و شوراها در کارخانجات و محلات تشکیل شدند. "جبهه کردستان" متشکل از احزاب سیاسی کردستان که دو نیروی عمده اش حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی است از همان بدو امر علیه شوراها وارد عمل شدند. اتحادیه میهنی کردستان از جمله طی اطلاعیه ای که از رادیوی این حزب نیز پخش گشت خواهان برچیدن شوراها شد و به اذیت و آزار فعالین این شوراها پرداخت. درباره این شوراها کتابی نیز به فارسی ترجمه شده است: "یک فعال جنبش شوراها از کردستان عراق سخن میگوید، یادداشت‌های درباره یک قیام، یک پیروزی و یک شکست". این کتاب که بر یادداشت‌های روزانه نویسنده آن متکی است، تنها منبع معتبری است که درباره شوراها و کردستان عراق به فارسی ترجمه شده است. کارگر امروز در شماره ۲۳ خود گفتگویی را با "ه. ناسو" نویسنده این کتاب درج کرد که مسائل عمومی تری را درباره جنبش شورایی کردستان عراق بر داشت.

در تاریخ ۱۹۹۲/۴/۱۱ در جلسه معلمان در سالن فرهنگی شهر سلیمانیه از جلال طالبانی درباره اقدامات اتحادیه میهنی کردستان علیه شوراها سؤال شد. جلال طالبانی برای توجیه اقدامات ضد کارگری اتحادیه میهنی کردستان علیه شوراها در پاسخ از جمله شوراها را "جمعیت منصور حکمت" و "انجمن کاریکاتورهای منصور حکمت" خواند. رادیو صدای کردستان در گزارش خود از این گردهمایی، نوار پرسش و پاسخ مربوط به شوراها را عیناً پخش کرد که آنرا خواهید خواند. علاوه بر این تشریح کارگر امروز این مطلب را قبل از چاپ در اختیار منصور حکمت گذاشت و نظرش را درباره آن جوینا شد. جوابیه وی نیز در این شماره درج شده است.

### بقیه از صفحه ۶

### قرارداد تجارت...

امضا کرد. از طرف دیگر همان ضرورت‌های که آمریکا را به پای میز مذاکره با مکزیک کشاند، کم و بیش کانادا را به شرکت در قرارداد تجاری آمریکای شمالی ترغیب کرد و مثلث توافقنامه تجارت آزاد در آمریکای شمالی شکل گرفت. بعلاوه صادرات کانادا به آمریکا تشابه زیادی به نوع صادرات مکزیک به آمریکا دارد و اساساً بر محور صنایع اتومبیل متکی است. از طرف دیگر معاهده تجاری مجرای آمریکا با کشورهای آمریکای لاتین، بویژه مکزیک تنها دسترسی آمریکا را به این بازارها و نیروی کارش بدنبال داشت. شاید بتوان گفت شرکت کانادا در مثلث قرارداد تجارت آزاد هم ناشی از ترس از غیبت در این معاهده است و هم ناشی از ضرورت برخورداری از مواهب آن. سرمایه کانادایی با شرکت در این مثلث نسبت به رقابش در موقعیت بهتری قرار می‌گیرد. البته اگر چه حجم مبادلات کانادا و مکزیک در حال حاضر تنها معادل ۲/۳ میلیارد دلار در سال است اما این میزان از رشدی معادل ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۰ برخوردار بوده است و برخی از اقتصاددانان بین المللی بر این باورند که این نرخ رشد در سالهای آتی دو برابر خواهد شد.

کانادا از جمله کشورهایی است که خدمات اجتماعی در آن هنوز بصورت بسیار رنگ پریده چهره ای انسانی دارد و تامین کننده برخی از اولین نیازمندیهای یک شهروند از قبیل بیمه درمانی و بیمه بیکاری است و یا حداقل در چند سال گذشته بود. قرارداد تجارت آزاد زمینه را برای تغییرات وسیع

یکی از شرکت کنندگان در جلسه: "شما که به خودتان سوسیال دمکرات می‌گویند چرا شوراها را بر چیدید؟ شوراها که نیروی مردم بودند؟"

جلال طالبانی: "من نشنیده ام که شوراها را برچیده باشیم. ما هم اکنون شوراها را انتخاب می‌کنیم. انجمنها در همه شهرها و اماکن انتخاب می‌شوند. شوراها که در همه جا انتخاب می‌شوند. در اردوگاهها، در شهرها انجمنهای واقعی نمایندگان مردم هستند. آنچه این برادرمان به آن می‌گوید شوراها، عبارت بودند از جمعیتی چپ رو که عملاً دست حکومت عراق هستند. جمعیت منصور حکمت هستند. انقلاب ما را نوکر آمریکا میدانند و در نوشته هایشان تحت عنوان چپ روی می‌گویند قیام بهار گذشته توده های مردم کردهستان، جنبش آمریکایی و ارتجاعی و ضد مردم بوده است. اینها با دیسه فردی مشکوک که اسمش منصور حکمت است، انسان مشکوکست، نقش مخرب بزرگی در بر هم زدن کومه له زحمتکشان کردستان ایران داشت. اینها علیه انقلاب کردستان هستند. با قیام پارسال مخالفت می‌کنند. با جواب مردم مخالفت می‌کنند. اینها می‌خواستند از اینکه مردم دوست داشتند انجمن وجود داشته باشد یکنوع دیکتاتوری خودشان را تحمیل بکنند، اینها جمعیت کمی هستند و نمی‌توانند در انتخابات عمومی و مردمی شرکت کنند. بنا به اینها آنچه این برادرمان به آن می‌گوید شورا، شورا نیست. یک چیزیه. انجمن کاریکاتوری منصور حکمت است. البته آن برادرانی که چیزی دارند پس شرکت کنند در انتخابات. چه در انتخابات انجمن ملی (پارلمان ملی) چه در انتخابات انجمنها (انجمنهای محلی در سطح شهر و...). با توجه به اینکه این شوراها پدیده دمکراتیکی نبودند، چیزی نبودند که از جانب مردم انتخاب شده باشند تا بگویم بمانند و یا نمانند. من نشنیده ام که کسی رفته باشد و با طینچه درهایشان را بسته و مهر سرخ زده باشد. آن پدیده خودش همچون حیایی آمد و رفت و تمام شد و هیچ پیوندی با توده مردم نداشت. خودتان میدانید که در فصل بهار انواع چیزها اینجا و آنجا پیدا می‌شود اما بعد جوینارهای اصلی می‌مانند.

### منصور حکمت

قبل از اینکه خود متن اظهارات آقای طالبانی را ببینم دواوردو شنیده بودم که ایشان در یک برنامه رادیویی با اسم به من حمله کرده است. اما وقتی متن را خواندم دیدم ایشان ناخواسته فی الواقع از من تمجید کرده است. آقای طالبانی در یکجمله دو رویداد مهم و با ارزش در تاریخ معاصر کردستان را یکجا بیای من نوشته است. یکی عروج جنبش شورایی کارگران و زحمتکشان کردستان عراق در جریان بحران و جنگ خلیج و دیگری پیوستن "کودا" به یک حرکت کمونیستی سراسری و دور شدن آن از "جوینارهای اصلی" ملی گرای کرد - چیزی که ایشان آن را همانطور که انتظار می‌رود "خراب" کردن کومه له زحمتکشان... اطلاق میکنند.

هردوی این تحولات فضای سیاسی کردستان را برای ملی گرای سنتی کرد و رهبران سیاستمداران این جریان تنگ کردند. هردوی این تحولات زبان کارگر را بر سر بورژوازی و ملی گرای کرد دراز کردند طبیعی است که آقای طالبانی از چنین روندهایی ناخوششده باشد و از آنها طبیعی تر است که بخواهد سیر اجتناب ناپذیر به میدان آمدن مستقل کارگر در کردستان و انزوای ناسیونالیسم را تخطئه کند و به سیاق همیشگی سیاستمداران بورژوازی در ممالک عقب مانده و مذهب زده، آن را کار شیاطین و توطئه افراد مشکوک قلمداد کند. اما اگر "جوینار اصلی" ای در صحنه سیاسی کردستان امروز هست، اگر نیرویی ماندگار هست که قرار است کردستانی آزاد و مرفه بسازد، همان جنبش شورایی و سوسیالیستی کارگران است. این "بهار" ملی گرای است که دیگر بسر رسیده است. آقای طالبانی می‌خواهد همین واقعیت را کتمان

طبقه کارگر در کردستان باید این قبیل اظهارات را جدی بگیرد. این اظهارات خود تاکیدی بر ضرورت جدایی سیاسی قطعی و کامل طبقه کارگر در کردستان عراق از ناسیونالیسم و جماعت های ناسیونالیستی و پا به صحنه گذاشتن آن بعنوان یک نیروی مستقل و قدرتمند طبقاتی است. صحنه سیاسی عراق و بویژه کردستان متحول و ناپایدار است. اگر اوضاع به نفع دولت مرکزی عراق و یا جریانات ملی در کردستان تعیین تکلیف شود، اولین قربانی کارگر و سوسیالیسم در کردستان خواهد بود. عدم تعادلی که امروز وجود دارد یک فرصت تاریخی برای کارگر و کمونیست است که خود را محکم کند. حزب بسازد و جنبش شورایی و توده ای خود را روی بنیادهایی ادامه کار استوار کند. آقای طالبانی دیگر باید به چه زبانی بگوید که در این کار باید تعجیل کرد؟

و بالاخره گوشه ای از صحبت آقای طالبانی هم معطوف به کومه له امروز و رهبران فعلی آن است. عکس العمل این تشکیلات و این افراد در مقابل اینگونه حملات آقای طالبانی به شوراها، و به چرخش به چپ کومه له در گذشته (که در ظاهر ناسزاگویی به من بیان میشود)، بهترین محک درجه آمادگی امروز آنها برای بازگشتن زیر سایه پر محبت و پدران احزاب سنتی ملی کرد خواهد بود. آقای طالبانی دارد از قول کومه له امروز نسبت به تجربه دهسال گذشته این سازمان ابراز ندامت میکند. عکس العمل کومه له روشن خواهد کرد که در این عواطف شریک است یا خیر. کارگر و کمونیست در کردستان عراق بیشک دیر یا زود این سؤال را جلوی کومه له و رهبران آن می‌گذارد که پاسخشان به اینگونه حملات و سم پاشی ها علیه شوراها و مدافعان و فعالین جنبش کارگری در عراق چیست.

تری وارد بازار کند. این مجموعه و شرایط باعث رشد روزافزون ایجاد صنایع با سرمایه آمریکایی در این مناطق شد. در حال حاضر بیش از ۲۰۰۷ کارخانه صنعتی که در برگیرنده ۵۰۰ هزار کارگر مکزیک است در این مناطق وجود دارند، در سال ۱۹۸۶ تعداد کارخانجات ۱۰۰۰ عدد و در برگیرنده ۳۰۰ هزار کارگر بود. این آمار نشانگر آن است که در هر روز کاری (۲۰۰ روز در سال) یک کارخانه در این مناطق شروع به کار کرده است. ۹۰ درصد سرمایه گذاری در این "مناطق آزاد" آمریکایی است و ۸۵ درصد محصولات تولید شده آن روانه بازار آمریکا و کانادا میشوند. حداقل دستمزد در این مناطق ۵۰ سنت در ساعت است و اکثر کارگران شاغل در این مناطق زنان جوان هستند. صادرات از این "مناطق آزاد" ۴۵ درصد کل صادرات مکزیک به آمریکا را تشکیل میدهند و حجم این صادرات قریب به ۱۲ میلیارد در سال ۱۹۸۹ بوده است.

### سروششت توافقنامه

برای سرمایه متولد شده و یا خلق شده در آمریکا قرارداد تجارت آزاد قدمهای مهمی در تهاجم اش در دهه ۹۰ و تحکیم موقعیتش در سطح جهانی است. سروشت این توافقات هرچه باشد - به تصویب برسد یا نه که فرقی چندانی ندارد - سازماندهی تولید و شرایط اجتماعی بطور سریعی در حال دگرگونی است. کل این تحولات شرایط جدید و متفاوتی و نه الزاماً تماماً منفی را برای کارگران در دهه آتی ایجاد خواهد. باید این تحولات و شرایط را بهتر شناخت -

سرمایه آمریکایی را در موقعیت متفاوتی نسبت به اصلی ترین رقبای اقتصادیشان در اروپا و ژاپن قرار میدهد. بعلاوه ارزیابی اقتصاددانان که راندمان کار و بهره روی کارگران مکزیک را در صنایع جدید و منطقه ماکیلادورا بررسی کرده اند، نشان میدهد که محصولات تولید شده در مکزیک از همان مرغوبیت و کیفیت کالاهای تولید شده در آمریکا برخوردار است و راندمان کارگران نیز یکسان میباشد. بطور مثال کارگر فورده در "هرموسیلو" ۱/۰۳ دلار در "گداتیلان" ۱/۲۵ دلار در ساعت دستمزد می‌گیرد. اما کارگر اتومبیل سازی در تروفوره آمریکا (که اخیراً بسته و به مکزیک منتقل شده است) ساعتی ۸/۲۵ دلار دستمزد دریافت میکند. کارگران این کمپانی هم اکنون در "ماتاموروس" مکزیک ساعتی ۱/۱۵ دلار دستمزد می‌گیرند. به تصویر فوق باید آمار مزایای کارگری را نیز اضافه کرد. مزایای کارگری از قبیل بیمه ها و سایر خدمات در هر ساعت در آمریکا معادل ۱۴/۸۳ دلار است. اما هزینه این مزایا در مکزیک بطور متوسط ۱/۸۵ دلار در ساعت است و در مناطق "ماکیلادورا" حتی به نیم دلار میرسد.

قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی تشابه زیادی به طرح "مناطق آزاد" ماکیلادورا دارد. طرح ماکیلادورا برای سرمایه آمریکایی نیروی کاری برتر از آنراست از نیروی کار مکزیک فراهم کرد. سرمایه دار آمریکایی با سرمایه گذاری در این مناطق میتواند با برخورداری از نیروی کار فوق ارزان و نازل بودن درصد تعرفه گمرکی محصولات تولید شده را با قیمت پایین

صنعتی جهان سوم است که سرمایه آمریکایی در آن فعال است. در سال ۱۹۸۷ میزان سرمایه گذاری آمریکا در مکزیک معادل ۴ میلیارد دلار بود که بعد از برزیل، ۷/۷ میلیارد دلار، قرار دارد. کل سرمایه گذاری آمریکا در آسیای جنوب شرقی معادل ۵/۳ میلیارد دلار است. میزان سرمایه گذاری و کنترل صنایع توسط سرمایه آمریکایی تا سال ۱۹۷۰ در مکزیک به شرح زیر است: صنایع اتومبیل سازی ۵۷ درصد، صنایع لاستیک ۷۶ درصد، معادن ۵۴ درصد، تنباکو ۱۰۰ درصد، صنایع غذایی و نوشابه ۴۷ درصد، ماشین آلات صنعتی ۵۱ درصد، کامپیوتر ۸۱ درصد، صنایع شیمیایی ۵۰ درصد، صنایع پتروشیمی ۸۶ درصد. این سرمایه گذاریها اساساً به دوران قبل از طرح ماکیلادورا و یا "مناطق آزاد" بر میگردد که کلاً بعد از سالهای ۱۹۹۰ گسترش یافت.

متوسط سطح دستمزد در مکزیک نیز از هنگ کنگ، سنگاپور و تایوان کمتر است. بیش از نیمی از جمعیت ۸۸ میلیون نفره مکزیک زیر ۲۱ سال سن دارند و هر ساله نزدیک به یک میلیون نفر وارد بازار کار می‌شوند که شرایط مطلوبی برای سرمایه است. نرخ سود سرمایه در مکزیک معادل رقم باور نکردنی ۶۰ درصد است. نرخ سود سرمایه های خارجی در مکزیک از ۵۵/۹ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۶۳ درصد در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است. نرخ سود سرمایه در آمریکا در سالهای اخیر بین ۷ تا ۱۲ درصد نوسان داشته است. برخورداری از این نیروی کار گسترده و ارزان و در عین حال با سواد و آموزش دیده بی شک





# کارگاه امروز

## گفتگو با «میرتا سایدالوباتو» محقق جنبش کارگری آرژانتین سیاستهای دولت در طبقه کارگر یک بحران هویت بوجود آورده است

**«میرتا سایدالوباتو» استاد تاریخ دانشگاه بوئنوس آیرس و برای مقایسه جنبش کارگری آرژانتین و کانادا تحقیق می کند. در تاریخی که با وی مصاحبه شد وی از شورای مطالعات کانادا بورس گرفته بود که تحقیقات مقایسه ای درباره جنبش کارگری کانادا و آرژانتین در کانادا انجام دهد. وی عضو اتحادیه معلمان فلسفه و زبان است. از نظر سیاسی خود را چپ مستقل می داند.**

### بحران اقتصادی در آرژانتین هر روزه ابعاد بیشتری پیدا می کند. نقش قروض خارجی آرژانتین در این بحران چیست؟

بحران اقتصادی آرژانتین تاریخ قدیمی دارد و مشکل بتوان فقط به چند سال اخیر اشاره کرد. با این حال بحران در این سال ها عمق بیشتری یافته است و علامت کنکرت و روشنی دارد. اولین علامت آن صنعت زدايي اقتصاد آرژانتین بوده است. این یکی از مهمترین مسائلی است که کارگران با آن مواجه شده اند. زیرا به معنای اخراج، بیکاری، عدم ثبات در زندگی روزمره شان است.

مشکل بتوان در چهار چوب صنعت زدايي، ربط قروض خارجی و بحران اقتصادی را توضیح داد. عمق قروض خارجی آرژانتین هنگامی صورت گرفت که دولت نظامی قرض بیشتری از خارج گرفت ولی از آن برای ایجاد شغل و صنایع استفاده نکرد. قرض از سازمان های بین المللی به معنای وابسته شدن به تصمیمات آنها است. وضعیت اقتصادی درونی آرژانتین که با قروض خارجی رابطه مستقیم دارد به نفع مردم نیست بلکه منافع عده محدودی را تامین می کند. بطور مثال شرکت های بزرگ از سازمان های بین المللی پول قرض می کنند و دولت آرژانتین ضامن آن می شود. بنابراین وقتی این پول باز پرداخت نمی شود، بهره آن به رقم سرسام آوری می رسد که دولت باید بپردازد. به عبارت دیگر بر دوش مردم خالی می شود.

به سوال شما برگردیم. بحران اقتصادی آرژانتین با بررسی وضعیت داخلی یا اوضاع جهانی قابل توضیح است. اگر از وضعیت داخلی شروع کنیم متوجه می شویم که اقتصاد آرژانتین از سال های ۳۰ در بحران بوده است. از آن موقع تا بحال هیچ سیاستی که بخواهد چهارچوب اقتصادی

مملکت را از این وضعیت درآورد، وجود ندارد. حتی اقدام آرژانتین برای صنعتی شدن کافی نبود. هم اکنون ما شاهد قیمت پایین کالاهای صادراتی در بازار بین المللی هستیم. پدیده مشابهی در بین کارگران زراعی کانادا نیز وجود دارد. کارگران فکر می کنند که سوسید بر تولیدشان ندارند و به همین دلیل کالاهایشان در بازار بین المللی فروش نمی رود. از طرف دیگر وقتی صنعتی نمی تواند در بازار بین المللی رقابت کند، و قروض بانکی هم با بهره های سرسام آور تحمیل شده است آنوقت آینده زیاد درخشانی در مقابلمان وجود ندارد.

### وضعیت طبقه کارگر آرژانتین چگونه است؟

طبقه کارگر در هر کشور وضعیت مشترک، یکنواخت و استاندارد ندارد. مردم همه یک جور زندگی نمی کنند. محلات مختلف وجود دارد. کارگران فقیر در مناطقی زندگی می کنند و وضعیت سختی دارند. درآمد آنها برای تهیه مایحتاج اولیه کافی نیست. در مناطق فقیر نشین دهقانان مهاجر زندگی می کنند که خرجشان از زراعت در نمی آید و در خدمات اجتماعی کار می کنند. ولی این بخش خود از بحران اقتصادی ضربه زیادی خورده است. شرایط در مناطق صنعتی بهتر است ولی نه برای همه کارگران ماهر مانند کارگران صنعت فولاد تکنولوژی جدید را یاد گرفته اند، و به همین دلیل قدرتشان در مذاکره برای افزایش دستمزدها نسبت به سایر کارگران بیشتر است. کارگران بخش خدمات اجتماعی در مناطق فقیر و یا مرفه از وضعیت بدی برخوردارند. یک چیز در سرتاسر کشور بطور عمومی وجود دارد و آنهم شرایط سخت زندگی است. شرایطی که با بیکاری و وجود کارگران موقت سخت و سخت تر می شود.

### بلیه از صفحه ۱۰ بردگی قرض

کارگران یک میلیون کارگر اهل هائیتی برای بخش های نیشکر، ساختمان و ماشین سازی دومینیکن نقش حیاتی ایفا میکنند. اما در هیچ کجا مثل بخش نیشکر سوء استفاده بی حساب و کتاب نیست. سوء استفاده و بدرفتاری بیش از حد آشکار و فاحش است چرا که در بسیاری موارد حکومت مستقیماً در آن دست دارد. اکثر کشتزارهای نیشکر دولتی هستند. سال گذشته کمیته حقوقدانان مأمور حقوق بشر مستقر در نیویورک حد وسیعی از سوء استفاده را در جزئیات ثبت کرد. کمیته کنگره آمریکا بعداً بعنوان شاهد به این گزارش استناد کرد. حکومت دومینیکن که با وقاحت استفاده از کار اجباری را انکار میکند به انتقام این انتقادات و انتقادهایی که از جانب رئیس جمهور تازه انتخاب شده هائیتی ژان باتیست آریستید صورت گرفته بود، هزاران هائیتی ای را اخراج کرد. اما

### خواسته های عمومی اقتصادی و اجتماعی کارگران چیست؟

خواسته های اقتصادی کارگران روشن است. ولی مطالبات سیاسی کارگران مشخص نیست. مهمترین خواست اقتصادی کارگران کاهش بیکاری است. همه صحبت از حفظ شغل هایشان می کنند. خواست بعدی دستمزدها است. فعالین اصلی مبارزه برای دستمزدها کارگران خدمات اجتماعی اند. دستمزدها ماهانه یک کارگر شرکت خصوصی ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار است که نسبت به استاندارد آرژانتین دستمزدها نسبتاً بالایی است. ولی دستمزدها کارگران خدمات اجتماعی بین ۱۲۰ تا ۲۰۰ دلار است. به همین دلیل کارگران این بخش در صف اول مبارزه برای بهبود سطح دستمزدها هستند. یکی دیگر از خواسته ها حفظ شرایط کار است که در نتیجه سالها مبارزه بدست آمده است، مثل امنیت شغلی. در برخی صنایع کارگران علیه تغییراتی که در شرایط کار داده شده است مبارزه می کنند.

به بخش دوم سوال شما یعنی خواسته های سیاسی می پردازم. همانطور که قبلاً گفتیم خواست سیاسی کارگران بدلیل وضعیت سیاسی ویژه آرژانتین یعنی دولت پرونیست که ایدئولوژی کارگران هم هست، روشن نیست. حال دولت پرونیست سیاست هایی را اعمال می کند که نفع کارگران نیست و این در طبقه کارگر یک بحران هویت بوجود آورده است. تا آنجاییکه به سایر گرایشات سیاسی برمی گردد، کارگران به جناح چپ گرایشی ندارند. زیرا چپی ها بجای اینکه آلترناتیو کنکرت بدهند صرفاً مخاف دولت هستند. دائماً شعار میدهند که نباید قروض خارجی را بپردازیم و غیره و هیچ آلترناتیو مثبت ارائه نمی دهند. البته منظورم چپ بطور عمومی است. وضعیت درباره چپی ها در سطح محلی و کارخانه ای فرق می کند.

بطور عمومی کارگران آرژانتین پرونیست هستند و در وضعیت بحرانی قرار گرفته اند. زیرا هم پرونیست هستند و هم علیه دولت پرونیست آرژانتین کشوری است که در آن یک کارگر وسط خیابان داد می زند "زنده باد پرون" و کارگر دیگری که همین شعار را دارد وی را میکشد.

### دستمزد متوسط کارگران نسبت به هزینه زندگی در آرژانتین چقدر است؟

درآمد متوسط یک خانواده کارگری برای تامین مایحتاج اولیه کافی نیست. بطور مثال قیمت ها بر اساس بازار بین المللی تعیین می شوند و نه بازار داخلی. کرایه یک آپارتمان دو اتاقه در آرژانتین ۲۵۰ دلار و درآمد ماهانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار است.

بدون کار زنان هیچ خانواده ای نمی تواند از پس مخارج خود برآید. زنان به سختی کار می کنند. بقیه اعضای خانواده نیز زودتر از موعدی که سشبان اجازه میدهند بکار مشغول می شوند. غیر از این زندگی نمی چرخد.

میکشند. آندره لویی ۷۵ ساله و مسئول غیر رسمی جمعی از کارگران نی بر در جایی در نزدیکی پایتخت، می گوید: من زندگی در اینجا تلف شد. آنها به ما بیست و پنج روز (حدود ۱/۶ دلار) می پردازند و بعد ۲۱ پزو میگیرند. آدم هیچوقت آنقدری که فکر میکند نمیگیرد. او میگوید اغلب در روز پرداخت دستمزد سر و کله افراد مسلح در روستاهای کارگری پیدا میشود و وقتی کارگران به تقلب در پرداخت دستمزدهشان اعتراض میکنند کار به تیراندازی پراکنده میکشد. طی ۵۵ سال کار در مزارع نیشکر فقط یکبار اتفاق افتاده که لوئیس خرجش با دخلش طی یک فصل سر بسر شده است. بهترین سال زندگی او موقعی بود که شغل محبوب رانندگی تراکتور حمل نیشکر را داشت. آن موقع ۱۳۳ دلار در آمد داشت.

الان او یک آدم درمانده است. دو سال پیش زنش مریض شد و مرد. او برای پرستاری از زنش و بعداً دفن او مرخصی گرفت. به این دلیل از کارش اخراج شد و به کار کنترل نیشکرهای بریده شده گمارده شد. او

بنظر من بخش اعظم قروض آرژانتین را زنان پرداخته اند. وقتی صحبت از بیکاری در آرژانتین می کنیم باید به یاد داشته باشیم که تعداد قابل ملاحظه ای از بیکاران را مردان تشکیل میدهند. زنان به هر صورت که شده باید به بازار کار بروند و پول درآوردند زیرا بالاخره آخر روز بچه ها باید غذا بخورند.

### کودکان از چه سنی به کار گمارده میشوند؟

از نظر قانونی نوجوانانی که به سن ۱۸ سالگی رسیده باشند می توانند وارد بازار کار شوند. ولی این قانون درباره کار موقت صدق نمی کند. به همین دلیل کودکان پایین تر از ۱۸ سال شروع به کار می کنند. کودکان خانواده های فقیر که نمی توانند کار کنند، بجایش ذباله هایی که قابل استفاده مجدد هستند، جمع می کنند.

### کارگران چه خواسته هایی دارند و به چه اشکایی مبارزه می کنند؟

مهمترین جنبه مقاومت کارگران آرژانتین در موقعیت کنونی چیزی است که من به آن مبارزه در سطح افقی می گویم. به عبارت دیگر مباحث حول شرایط کار و استاندارد زندگی، و مبارزه برای بسیج کارگران در سطح توده های کارگر صورت می گیرد. اهمیت این مسئله از اینجا ناشی می شود که سازمان های کارگری آرژانتین بوروکراتیک اند و این سطح از فعالیت هیچ وقت جدی گرفته نشده بود. تفاوت دیگر اوضاع کنونی با گذشته اینست که بجای تمرکز مبارزه در یک صنعت، صنایع مختلف متحد میشوند و مبارزه را به پیش می برند. سومین مسئله مهم وجود اتحادیه در سطح محلی است. به عبارت دیگر اتحادیه از این طریق رابطه و تماس نزدیک با مردم دارد. این رابطه کاملاً مهم است زیرا در برخی محلات تماس نزدیک با مردم در مبارزه کارگران کارخانه تاثیر زیادی دارد.

این مولفه ها در جنبش کارگری و طبقه کارگر آرژانتین جدید است. در گذشته رهبری اتحادیه سنتا در سطح مرکزی با دولت و شرکت ها وارد مذاکره می شد و با کارگران مشورت نمی کرد. ولی اکنون بنظر می آید که توده های کارگر متشکل شده اند و رهبری مجبور است به حرف اعضایش گوش کند. وجود فعالین چپ در کارخانه در این وضعیت تاثیر گذاشته است. اشکال مبارزه به اتحادیه مورد نظر بستگی دارد. بطور مثال شکل اعتراض اتحادیه ما یعنی اتحادیه معلمان، سال ها است که اعتصاب می باشد. اعتصاب یکروزه یا یک ماهه. ولی تا همین اواخر به خواسته مان نرسیدیم. باید به اشکال دیگر مبارزه دست یافت. ما تظاهرات هم سازمان داده ایم. در اینجا به تغییر مبارزه کارگران کارخانه می پردازم. در گذشته نه زیاد دور، وقتی کارگران با خطر بسته شدن کارخانه مواجه می شدند، کارخانه را تحت کنترل خود در می آوردند و از وسایل کارخانه و شغل هایشان حفاظت می کردند. این باعث می شد که کارگران در وضعیت بدی قرار گیرند.

با کمک ۵ پسرش که همگی در کشتزار کار میکنند، خود را زنده نگه میدارد. در بعد از ظهر یک روز زمستان گفت که از صبح تا کنون چیزی نخورده است. از او میپرسم آیا شب چیزی برای خوردن خواهد داشت؟ جواب میدهد: بستگی دارد به اینکه بچه ها چکار کنند. به مناطق حاشیه پورت او پرینس پایتخت فقیرترین کشور نیمکره غربی نگاه کنیم. آنجا فقرا بچه های دهقانان را استثمار می کنند. آنها بچه ها را بطور غیر رسمی آدایت می کنند و بعد آنها را به عنوان پیشخدمت بی جیره و مواجب به کار می میدارند. رستاک ها - بچه های که آدایت شده اند - لباس های مندرس میپوشند، روی زمین خالی میخوابند، و از ته صانده های غذا فقط آنقدر می خورند که بتوانند از بام تا شام جان بکنند.

یسوس گیتون از اینکه کودک ۴ ساله ای بنام وودکابی را آدایت کرده بسیار راضی است. این کودک عملاً تمام کارهای خانه را برای ارباب ۳۴ ساله اش، پسر بزرگش، و دختر و دختر عمیش که همگی در یک

از نقطه نظر سرمایه داران، مالکیت خصوصی تقدس دارد و باید مورد احترام قرار گیرد. و به محض اینکه کارگران این را نقض کنند پلیس را علیه شان می کنند. در این وسط کارفرماها از فرصت استفاده کرده و تعداد زیادی را اخراج می کنند، بخصوص فعالین کارگری را. بدین ترتیب جنبش کارگری رهبران را خود را از دست داد. به همین دلیل در این روش مبارزه تجدید نظر شده است. بجای اشغال کارخانه آنرا محاصره می کنند و در مقابل درب اصلی تجمع کرده و تبلیغات راه می اندازند، وسایل ارتباط جمعی و مردم را خبر می کنند، و آگاهی عمومی را ارتقا می دهند. در برخی موارد این روش بسیار موفق بود و کارگران به خواسته هایشان رسیدند.

بگذارید نمونه مبارزه کارگران معدنچی در سیتامبر را برایتان بگویم. معدنچیان بطرف پایتخت راهپیمایی و در مقابل محل استقرار دولت تجمع کردند. همزمان زنان تمام اتوبان هایی که به پایتخت ختم می شد را بستند. از این طریق تبلیغاتی کردند که بهتر از پیکت در مقابل معادن بود.

### آلترناتیو اپوزیسیون برای غلبه بر بحران کنونی چیست؟

امیدوارم که آلترناتیوی بدست آوریم. اگر کمونیسم دیگر مدل قابل قبولی نیست، اگر مردم آرژانتین نمی توانند شرایط زندگی قابل قبولی بدست بیاورند، آنوقت ما چپی ها جوابی برای این وضعیت نداریم. هم اکنون مشغول بحث حول همین مسئله هستیم.

بنظر من نیروهای چپ باید به مناطقی که مردم در آنجا زندگی می کنند، توجه کند زیرا در این محلات کوچک است که می توان جوامعی ساخت که علیه شرکت های بزرگ، دولت ها و سرمایه داران مبارزه کنند. بگذارید بیشتر توضیح بدهم. نیروهای چپ در آرژانتین همیشه راه حل های عمومی، مثل "قروض را نپردازید" سرمایه داری - نه - و "به پولدارانی که خون مردم را میکشد" ارائه کرده اند. این شعارها مردم را برای مبارزه در زندگی روزمره شان بسیج و کمک نکرد. جواب روشنی به سوال شما ندارم. هدف ایجاد جنبشی است که بتواند جامعه را به یک سیستم عادلانه تغییر دهد. چپ آرژانتین کماکان در خط پخش اعلامیه و روزنامه است که بر افکار عمومی تاثیر بگذارد در صورتیکه وسایل ارتباط جمعی بسیار قوی ترند. حال سوال اینست که آیا می توانیم از وسایل ارتباط جمعی برای تبلیغات خود و بعنوان ابزار استفاده کنیم.

### بحران و رکود اقتصادی کنونی یک مشکل بین المللی است، و منحصر به یک کشور نیست .

بله نیاز کارگران آرژانتین مانند نیاز سایر کارگران جهان است. بنظر من کارگران در سطح جهان نیاز به رد و بدل کردن تجربه دارند. این تجربیات باید مورد بحث قرار گیرند و از آن طریق آلترناتیوی ارائه شود که ما را در مبارزه ما علیه بازار و شرکت های بزرگ یاری رساند.

خانه دو اتاقه در چند مایلی پورتو پرینس زندگی میکنند، انجام میدهد. روز کار وودکابی از ساعت شش صبح شروع میشود. او بخاری اتاق را خالی میکند، آتش درست میکند، از چاه آب می آورد و صبحانه را آماده میکند، و ساعت ۹/۵ شب که برای خواب میروند، کارش تمام میشود. گاهی با شکم خالی میخوابد. او معمولاً یک شلوار کهنه و کتیف میپوشد. او پولی دریافت نمیکند و هدیه کریسمسی هم نمیگیرد. اربابش میگوید توان فرستادن او به مدرسه را ندارد، گرچه بچه های خودش را به مدرسه میفرستد. بسیار بعید است که این کودک بتواند پدر و مادرش را دوباره ببیند. خانه آنها در شهر آرنتی بوینت آتش گرفت و آنها کوچ کرده اند. او دلش برای والدینش تنگ میشود اما میگوید که خوشحال است "به خاطر اینکه میخواهد خوشحال باشد". او میگوید شب ها کابوس های وحشتناکی می بیند. بعضی وقت ها خواب می بیند به تنهایی در یک ماشین در حال چپ شدن نشسته است. وقتی بزرگ شد می خواهد چه کاره شود؟ جواب میدهد "پیشخدمت".

بیانیه حقوق اجتماعی جامعه اروپا

شکستی برای کارگران اروپا

نوشته: استفان سیلویا
از نشریه: Industrial and Labour Relation Riew شماره ۴ ژوئیه ۱۹۹۱

ترجمه و اقتباس: اعظم کم گویان

گرچه پژوهشگران در مورد انگیزه ای که دول عضو جامعه اروپا را به ابتکار پروژه ۱۹۹۲ کشاند اختلاف نظر دارند، اما در هر حال همگی در این نظر شریک اند که بازار واحد اروپا این جامعه را، بعد از قرارداد رم در ۱۹۵۷، از اساس قالب جدیدی خواهد زد. مشکلات اقتصادی نیمه اول دهه ۸۰ مانند همیشه دولتهای عضو را موقتا به گشودن چهارچوب روابط فی مابین و در پیش گرفتن سیاستی سیال تا رسیدن به یک توافق کشاند، گشایشی که بعد از این توافق تا بحران آتی بستره میشود.

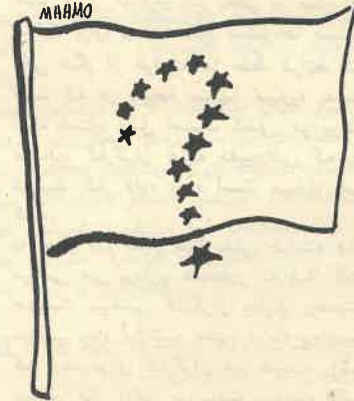
به عبارت دیگر، در اواخر دهه ۸۰ و اوائل دهه ۹۰ انتخابی تعیین کننده و حساس در مقابل جامعه اروپا قرار گرفت. نیروهای اجتماعی، بویژه کارگران، سرمایه داران و کشاورزان برای تاثیر گذاردن بر توافقاتی که بعنوان اجزاء بازار واحد اروپا در حال انجام بود، به جدالی سخت علیه یکدیگر پرداختند. زیرا که چهارچوب فعالیت اقتصادی و اجتماعی حاصل از این مبارزه

دستکم تا نسل آینده تاثیرات عمیقی را بر هر یک از این نیروها بجای میگذارد. نتیجتا، فعالیتهای سیاسی در زمینه مسائل متعدد مربوط به جامعه اروپا، و از جمله قرارداد دستجمعی، شاهد رشدی ناگهانی است.

تناسب قوای میان نیروهای اجتماعی فاکتور تعیین کننده ای در حاصل این جدال است. لذا، قدرت جنبش کارگری در اواخر دهه هشتاد و اوائل دهه نود عاملی حیاتی در تعیین نتایج سیاسی و اقتصادی یکی شدن بازارها در اروپا است.

قدرت کارگران اروپا در اواخر دهه

دهه ۸۰ سالهای تضعیف اتحادیه های کارگری در اروپا بود. بیکاری مزمن ۱۰ درصد نیروی کار را در سراسر دهه ۸۰ تقریبا در تمام کشورهای عضو جامعه اروپا در بر گرفته بود. این بازار ضعیف کار جنبش کارگری اروپا را از جهات مختلف تضعیف کرد. اتحادیه های کارگری نه تنها در زمینه عمل مستقیم در دفاع از منافع کارگران، و نه تنها در زمینه افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار بلکه همچنین در زمینه قوانین ناظر بر کار به عقب نشینی های جدی کشانده شدند. در نتیجه، سهم مزه از درآمد ناخالص ملی طی دهه ۸۰ در سراسر جامعه اروپا شدیداً



ایدئولوژیکی جامعه، شدیداً خدشه دار گشت. این تحولات، به نوبه خود، باعث تضعیف شدید اهرم های سنتی سیاسی کارگران شد و موثقتین سیاسی اتحادیه ها به منظور تداعی شدن با "منافع طبقه خاص" و جلب آرا در انتخابات، از کارگران فاصله گرفتند. بطور خلاصه، این عوامل موقعیت سیاسی و اقتصادی کارگران اروپا را طی دهه ۸۰،

فدراسیون اتحادیه های کارگری آلمان DGB نیز یکی از حامیان اولیه یک برنامه اجتماعی بود. هنگامیکه در سال ۱۹۸۵ جامعه مشترک دست اندر کار ارائه پیش نویس تکمیل طرح بازار واحد بود، DGB و اتحادیه های تشکیل دهنده اش به یک برنامه اجتماعی که متضمن انجام اقدامات اجتماعی در رابطه با دستمزدها و تامین اجتماعی در مقابل عوارض پروژه اروپای ۱۹۹۲ باشد تمایل یافتند. فدراسیون اتحادیه های کارگری ایتالیا و اتحادیه های کارگری اسپانیا نیز یکپارچگی اروپا و یک بیانیه اجتماعی در سطح اروپا را علیرغم خطر از دست رفتن موقعیت رقابتی بهترشان در بازار کار اروپای واحد مورد پشتیبانی قرار دادند، البته آنها در اصول و تا جایی طرفدار بیانیه حقوق اجتماعی بودند که موقعیت اقتصادی آنان را تضعیف نکند.

تنها جریان مخالف بیانیه حقوق اجتماعی در درون جنبش اتحادیه ای اروپا، بریتانیا بود. تا سال ۱۹۸۷ کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا TUC رسماً مخالف عضویت بریتانیا در جامعه مشترک اروپا بود. آنها استدلال میکردند که این کار استقلال اقتصادی بریتانیا را محدود کرده و به اجرا در آمدن برنامه های اقتصادی کنگره اتحادیه های بریتانیا را غیر ممکن میسازد. ایده ای که نام "کینزیسم در یک کشور" را گرفته بود. گرچه جنبش کارگری بریتانیا صریحاً لزوم یک برنامه اجتماعی در سطح اروپا را رد نکرد، اما هیچگاه و با تلقی منفی اش نسبت به کل برنامه اروپای واحد تمایلی به یک بیانیه حقوق اجتماعی نشان نداد.

موضوع TUC همیشگی پیشروی ها در این زمینه را در کنفرانسهای اتحادیه های کارگری اروپا ETUC (۱) سد کرد. زیرا، بقیه در صفحه ۱۱

بیشتر در قرض فرو میروند. یک کارگر دیگر پابرهنه و پر از گل که ۱۴ سال دارد و یوسف مسیح نام دارد، به خاطر اینکه پاهایش را هنگام قاطی کردن گل ها با بیل به سختی زخمی کرده بود از روستایی نزدیک مرز هندوستان به لاهور رفت. او از سن شش سالگی به خاطر ۵ هزار روپیه (۲۰۰ دلار) قرض پدرش، مجبور به کار به عنوان آجر ساز شد. کاری که رسماً با قانون پاکستان مغایرت دارد. او می گوید

"آنگون این قرض به ۹ هزار روپیه رسیده و می افزاید که در کوره های آجر پزی او را کتک زده و به او تجاوز میکرده اند. آیا او هیچوقت به فکر فرار می افتد؟ او در جواب این سؤال به آرامی می گوید: من همیشه در این فکر هستم."

بردگی در لباس جدید

در نیمکره غربی هیچگونه سنت رسمی مثل پشگی (بردگی قرض) وجود ندارد، چرا که همه کشورهای برده گیر در این منطقه قبل از آغاز قرن این سنت را از بین بردند. اما شکلهایی از کار باقی مانده است که فقط می توان آنرا بردگی در لباس جدید نامید. سازمان بین المللی ضد بردگی و سازمانهای دیگر مداروما شکایت کرده اند که بردگی قرض و کار اجباری هر دو در اطراف و داخل حوزه آمازون همچنان اعمال میشود. در پرو نوجوانان ساکن مناطق کوهستانی با تطبیع و وعده دستمزد زیاد به کار استخراج طلا کشیده میشوند، اما وقتی پایشان به مناطق جنگلی رسید می فهمند که از پول خبری نیست و بدام افتاده اند. آنها مجبور به کاری میشوند که در آن هیچگونه قرارداد و ضمانتی وجود ندارد و آنها که سعی میکنند به خانه هایشان برگردند، اغلب توسط پلیس محلی دستگیر شده و دوباره به سر کار برگردانده میشوند و بعنوان تنبیه حسابی کتک میخورند. آنها که میمیرند در همان جا مدفون میشوند. بیماری هاری در این مناطق شیوع دارد. به گزارش سازمان حقوق کودکان در مناطق اینکا، آنها که به این بیماری مبتلا میشوند به درخت بسته میشوند و به مرگ فنجیع و دلخراشی محکوم میگرددند. مدیر این سازمان میگوید: کار این نوجوانان بسیار خطرناک و بدون قرارداد و اغلب بدون دستمزد است. من فقط میتوانم آنرا بردگی بنامم. آنها به زنجیر احتیاجی نیست چرا که هیچکس نمیتواند از جنگل فرار کند."

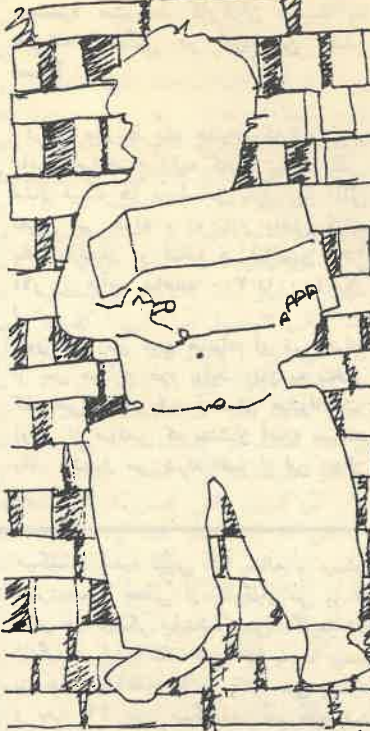
دومینیکن

شگفت انگیز اینست که سیستماتیک ترین سوء استفاده و خشونت تنها نسبت به اخلاف بردگان آفریقایی اعمال میشود که برای آزادی خود سالها مبارزه کرده اند و تلاش نموده اند رؤیای ز سرنگون کنند: هائیتی ها در جمهوری دومینیکن، کلبوس ۵۰۰ سال پیش وارد کردن برده به این سرزمین را آغاز کرد تا اولین مستعمره اروپا در جهان جدید را بسازد.

بقیه در صفحه ۹

خود را ترک کنند. اما حقوق دانان و فعالین اتحادیه های کارگری در لاهور می گویند از سال ۱۹۸۸ تاکنون فقط ده دوازده نمونه از این "سندهای آزادی" داده شده است. یکی از این فعالین کارگری می گوید "بعلاوه بیست میلیون پاکستانی در بردگی بسر میبرند و در حال مرگ تدریجی هستند."

در یک کوره آجریزی نزدیک لاهور مالک آن



محمد اختر ادا میگرد که کارگرانش معمولاً قرض های خود را "در عرض یک سال" باز پرداخت می کنند. او می گوید "این سیستم بندگان نیست. اگر آنها بخواهند بروند میروند." اما دو ماه در سال که بارانهای فصلی باعث میشود نتوان خشت ها را زیر آفتاب خشک کرد ماههای تعطیل کار است. رابین مسیح یک کارگر میگوید آدم مجبور میشود از صاحب کوره پول قرض کند تا بتواند این ماه ها را بگذراند و همین باعث میشود که دیگر نتوانی آنجا را ترک کنی." این کارگر در سال ۱۹۷۲، ۶۳۵ دلار قرض کرد. او و همسرش در روز ۳۷ دلار بابت زدن هزار خشت در یافت میکنند. اما نصف این پول بابت باز پرداخت وام می رود و در آخر هر سال آنها

بردگی قرض

در این دام اسیرند. بردگان قرض خشن ترین و سخت ترین کارها از قبیل سنگ شکستن و کوه کنی را انجام میدهند. دبیر جبهه مزبور می گوید: "بعضی بچه ها را حتی با آهن سرخ شده، سوزانده اند"

سدرام و همسرش دوکوماری، به مدت هشت سال در یک معدن سنگ در خارج دهلی نو کار کرده اند. در این مدت آنها ۴۶ دلار قرض بالا آوردند. اکنون قرض آنها به ۸۸ دلار افزایش یافته. سال گذشته این زوج مرتکب این اشتباه شدند که بگویند می خواهند معدن را ترک کنند بدون اینکه قرض خود را بپردازند. آنها میگویند بعد از نیمه شب چهار نفر از بزین بهادرهای ارباب در حالیکه مست بودند وارد کلبه گلی آنها شدند. این قلچماق ها زوج مزبور را با میله های آهنی زیر کتک گرفتند. شانه سدرام را پاره کردند و بینی اش را شکستند.

پاکستانی ها سیستم بردگی قرض را "پشگی" می نامند. آنجا هم اغلب قربانیان اعضا یک اقلیت تحقیر شده هستند: مسیحیان یا "تازه مسلمان شده ها" که هنوز جزو مطرودین اجتماعی محسوب میشوند. کودکان نیز بخش دیگری از بردگان را تشکیل میدهند. بد رفتاری نسبت به کودکان در صنعت قالی بافی وحشتناک است. در ماه سپتامبر گذشته صاحب یک کارگاه دو برادر هشت و ده ساله را ربود، آنها را به دستگاه قالی بافی زنجیر کرد و مجبورشان ساخت ۱۲ ساعت در روز کار کنند.

برده ها در کوره های آجریزی

بیش از ۵ میلیون کارگر برده در صنعت مشهور کوره های آجریزی کار می کنند. درسال ۱۹۸۸ دیوان عالی پاکستان وجود کار بردگی را در صنعت آجر تایید کرد و اعلام داشت که کارگران آجر پز حکمی از دادگاه مدنی دریافت خواهند کرد که بر اساس آن اجازه خواهند یافت محل کار

تلخیص شده از نشریه: نیوز ویک

هندوستان و پاکستان

از آنجا که آدم ربایی در تمام کشورها جنایت محسوب میشود، راه ساده تر آنست که کارگران را مقروض کنند و بعد آنها را تا زمانی که قرض خود را بپردازند نگه دارند و به بردگی بکشند. هندوستان و پاکستان وانمود کرده اند که طرفدار اصلاحات هستند (یا دست به اصلاحات زده اند) اما هنوز بردگی قرض در این کشورها غیر قانونی نیست. سیستمی که در آن قرض والدین می تواند نسل اندر نسل به بچه ها منتقل شود.

طی قرنهای دلالان کار در هندوستان که جامادارز خوانده می شوند، استانهای دور دست را میگردند و به دهقانان بی زمین، وعده شغل میدهند، و به خانواده آنها که قبول میکنند با آنها پروند، مقداری پول میدهند. این کارگران وقتی سر کار رفتند، باید برای وسایل کار و غذای خود پول قرض کنند، و به این ترتیب به ورطه قرض می افتند. بسیاری از مالکین اسناد قرض کارگر را دستکاری می کنند و کارگر که بسواد است نمی تواند تشخیص دهد. دبیر گروهی که "جبهه آزادی کارگران به بند کشیده" نامیده میشود و تلاش میکند قانون سال ۱۹۷۶ را به اجرا در آورد که چنین اقداماتی (بردگی قرض) را ممنوع اعلام میکند، میگوید: "اگر این کارگران بخواهند برگردند، به آنها گفته میشود که باید قرض خود را با بهره بپردازند و بعد بروند."

این جبهه کارگرانی را مشاهده کرده که هشت نسل است کار میکنند تا قرض هایشان را بپردازند، و تخمین می زند که ۵ میلیون کارگر بالغ و ۱۰ میلیون کودک

## بیانیه حقوق اجتماعی جامعه اروپا: شکستی برای کارگران اروپا

اتحادیه های کارگری بریتانیا از نقطه نظر عضویت بزرگترین بخش جنبش کارگری اروپا بودند. اما چهارمین دور پیروزی مارگارت تاچر در انتخابات و تکمیل طرح اقدام اروپا در یک بازار واحد، موجب شد که رهبران حزب کارگر و اتحادیه های کارگری موضوع مخالف خود را در مقابل جامعه مشترک تغییر دهند. هنگامیکه معلوم شد طرح بازار واحد اروپا در حال پیشرفت است و دولت محافظه کار پنج سال دیگر بر سر کار خواهد ماند، رهبران اتحادیه ها در بریتانیا برنامه اقتصادی خود، "کینزیسم در یک کشور"، را غیر عملی خواندند. در مقابل خاطر نشان کردند که اروپای ۹۲ آلترناتیو جدیدی را مطرح میکنند: "استفاده از بروکسل، برای انجام اقداماتی که در درون بریتانیا بعلمت روی کار آمدن محافظه کاران عملی نیست." از این رو شورای مرکزی TUC بطور ناگهانی موضع خود را تغییر داد و اعلام کرد که اتحادیه های کارگری بریتانیا باید فعالانه برای پیشرفت خط مشی اتحادیه ها و دفاع از منافع کارگران در بروکسل تلاش کنند.

طی نیمه اول سال ۱۹۸۸ کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا ETUC، چندین طرح در زمینه برنامه اجتماعی اروپای واحد را مورد بررسی و تصویب اولیه قرار داد. کنوانسیون ETUC در استکهلم به بسط این پیش نویسها اختصاص یافت. هر حرارت ترین سخنرانی این کنوانسیون توسط رئیس کمیسیون اروپا ژاک دلو ایراد شد. ژاک دلو بعنوان طرح اولیه بیانیه اجتماعی اروپای واحد، از ضرورت وجود مجموعه ای از حقوق اساسی و اولیه اجتماعی مبنی بر تضمین حق مشارکت مزدگیران از جمله در انعقاد قراردادهای دستجمعی، بعنوان بخشی از پروسه یکپارچگی اقتصادی اروپا دفاع کرد. سخنرانی ژاک دلو پس از کنفرانس به مانیفستی برای یک برنامه فعال اجتماعی در سطح اروپا تبدیل شد.

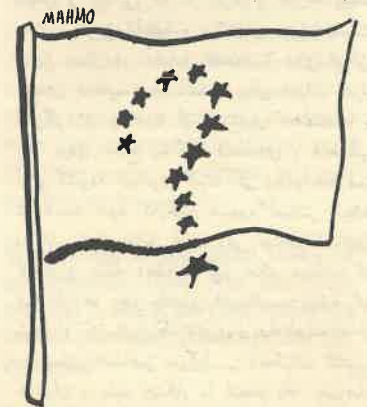
علیرغم رشد تمایل به مسائل اجتماعی در جامعه اروپا، مقامات ETUC در سال ۱۹۸۸ با آفتنگی دریافتند که کمیسیون اروپا تا آخر تابستان حتی بررسی پیش نویس اولیه سند بیانیه حقوق اجتماعی را که از نظر آنان اهمیتی همپراز با پیش نویس طرح یکسان کردن بازارها در سال ۱۹۸۵ داشت را آغاز نکرده است.

دولت فرانسه در پائیز ۱۹۸۸ اعلام کرد که با بهمه گرفتن ریاست شورای وزیران جامعه اروپا در نیمه دوم سال ۱۹۸۹ بیانیه حقوق اجتماعی را تکمیل خواهد کرد. اتحادیه های کارگری اروپا قانع شدند که تا آزمان منتظر بمانند. اتحادیه های کارگری با نگرانی از پروسه زجر آور و کند تصویب چنین بیانیه ای بعد از ادغام بازارها، خواهان تامین حمایت اجتماعی قبل از یکسان شدن بازارها در اروپا بودند. لذا کمیته اجرایی ETUC خطوط بیانیه حقوق اجتماعی اروپای واحد را با امید وادار کردن کمیسیون اروپا به اقدام عاجل، اعلام کرد. این سند مرحله نهایی تفکر جنبش اتحادیه ای اروپا را نمایندگی میکند.

بیانیه کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا در زمینه حقوق اجتماعی اعلام کرد که "بعد اجتماعی" اروپای واحد باید به دو مولفه متکی باشد: یک قانون بین المللی و یک بیانیه حقوق اجتماعی. از نظر رهبران ETUC قانون بین المللی میبایست مرجع استناد باشد. این قانون استانداردهای جهانی و اروپایی برای یک سیاست انسانی - اجتماعی پیشرو را نمایندگی میکند. بطور مشخص قانون بین المللی شامل کنوانسیونهای مختلف سازمان بین المللی کار بویژه آزادی اجتماعات، حق تشکل، انعقاد قراردادهای دستجمعی، دستمز برابر برای کار برابر، امکانات برابر، اشتغال کامل، بیانیه حقوق اجتماعی اروپا در سال ۱۹۶۱ و قطعنامه های سازمان ملل را دربر میگیرد. کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا، ملل عضو جامعه اروپا را که در تامین حقوق فوق شکست خورده بودند، به پیوستن به این بیانیه فراخوان داد. بعنوان مولفه دوم ETUC معتقد بود که بدلیل همه ابهامات و محدودیتهای

## کارگران امروز

خود را بیابان رساند. و پیشنهاد کرد که در اجلاس جامعه اروپا در مادرید بیانیه فوق بصورت بیانیه ای که اجبار قانونی در اجرای آن وجود نداشته باشد توسط دولتها به تصویب برسد. کمیسیون اروپا لیستی از حقوق اجتماعی و کارگری که میبایست توسط جامعه اروپا مورد حمایت قرار گیرد را تهیه کرد. این حقوق شامل حق انعقاد قراردادهای دستجمعی و آزادی تشکل بود. البته پیشنهاد کمیسیون تنظیم قراردادهای بطور انحصاری بعهده دولتهای عضو جامعه اروپا میگذاشت.



جامعه اروپا همچنین اعلام کرد که خواهان کسب اجازه از سران دولتها و کشورها برای تصویب اولیه یک سند ضمیمه بیانیه حقوق اجتماعی، یعنی یک "برنامه عمل" با وظیفه روشن ساختن نحوه اجرای مواد بیانیه حقوق اجتماعی، میباشد. شورای وزیران میبایست طرحها و اقدامات تدارکاتی در برنامه عمل را جداگانه و همانطور که در مورد پیش نویس اولیه بازار داخلی در ۱۹۸۵ معمول گشت بتصویب میرساند. هم TUC و هم دولت بریتانیا از طرح مصوب کمیسیون اروپا انتقاد کردند. سران TUC از واگذاری حق انعقاد قراردادهای دستجمعی به دولتها و همچنین از فقدان هرگونه اجبار قانونی در اجرای بیانیه حقوق اجتماعی عمیقاً ناراضی بودند.

دولت بریتانیا از طرف دیگر مخالفت اساسی خود را با بیانیه حقوق اجتماعی کمیسیون اروپا در اجلاس شورای وزیران اشتغال، روابط اجتماعی و آموزش در ژوئن ۱۹۸۹ بدلیل انعطاف ناپذیری ساخت بیانیه که مدعی بود مانع ایجاد کار و اشتغال میگردد اعلام داشت. با اینحال وزیران کار ده کشور از یازده کشور عضو، بیانیه مصوب کمیسیون اروپا را مورد تأیید اولیه قرار دادند. وزیر کار دانمارک از دادن رای خودداری کرد چرا که با اتحادیه های کارفرماها و اتحادیه های کارگری مشورت نکرده بود.

اختلاف میان وزیران اشتغال، روابط اجتماعی و آموزش منجر به کنار گذاشته شدن پیش نویس اولیه بیانیه حقوق اجتماعی در اجلاس سران کشورهای عضو جامعه اروپا در مادرید در ۲۶ و ۲۷ ژوئن گردید. اگر چه سران کشورهای عضو برای



تصویب بیانیه ای "توصیه ای" نیازمند موافقت بریتانیا نبودند، اما جلب موافقت بریتانیا برای تصویب برنامه عمل ضروری بود. این کار با توجه به مخالفت شدید بریتانیا غیر ممکن بنظر میرسید. بیانیه حقوق اجتماعی پس از اینکه فرانسه ریاست شورای وزیران را در نیمه دوم سال ۱۹۸۹ بعهده گرفت به اولویت جامعه اروپا تبدیل شد. در سپتامبر ۱۹۸۹ کمیسیون اروپا پیش نویس نهایی بیانیه حقوق اجتماعی را، که کوشیده بود انتقادات راست و چپ را با مشخص تر کردن بندهای آن از یک طرف و منعطف تر کردن آنها از طرف دیگر دخالت دهد، منتشر کرد. کمیسیون با افزودن جمله ای با این مضمون که جنبه های اجتماعی بیانیه به اندازه

جنبه های اقتصادی آن در بازارهای داخلی اهمیت دارند، بیانیه را تقویت کرد. اگرچه بیانیه روح و مضمون قبلی خود را همچنان حفظ کرده بود اما در بخش مربوط به سطح دستمزدها، کاهش اختلاف شرایط کار در کشورهای مختلف، تقویت قراردادهای دستجمعی در سطح محلی و حقوق برابر برای زنان و مردان صراحت بیشتری یافته بود.

در عین حال مقدمه پیش نویس نهایی بیانیه با بیان این مطلب که اشکال قدیم و جدید قانون گذاری، سیستم انعقاد قراردادهای دستجمعی در سطح ملی، و "پرانیک موجود"، همگی ابزارهای موجه دستیابی به اهداف بیانیه حقوق اجتماعی هستند، انعطاف بیانیه را بسیار افزایش داد. پیش نویس جدید همچنین تداوم استثنای سنتی بر حق اعتصاب در چهارچوب کشوری را مجاز دانست و اعلام داشت که مساله شرکت کارگران در اداره امور در "موقع مقتضی" میتواند عملی گردد.

### تلیفات اتحادیه بریتانیا و آلمان

طی سال ۱۹۸۹ اتحادیه های محلی و کنفدراسیون اتحادیه ها در سراسر اروپا یک سلسله کمپین را به منظور بسیج اعضای خود برای اعمال فشار در جهت تصویب بیانیه ETUC برپا داشتند. اتحادیه ها کمپین خود را اساساً بر شورای وزیران و بر دولتهای عضو جامعه اروپا متمرکز کردند. دقیقاً در این سطح بود که ضعف سیاسی اتحادیه ها آشکار گشت. بعلاوه قانون مصوب در مورد وحدت اروپا تصریح



میکند که قانون گذاری در همه زمینه ها بجز موارد مربوط به ایمنی و بهداشت باید به تصویب کلیه وزیران در شورای وزیران اروپا برسد. این امر بدین معنی است که سرنوشت مطالبات کارگران را قدرت ضعیف ترین عضو آن تعیین میکند.

دو عضو بزرگتر کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا، کنگره اتحادیه های بریتانیا TUC و کنفدراسیون اتحادیه های آلمان DGB هستند. در لحاظ قدرت سیاسی محلی این دو اتحادیه تفاوت زیادی باهم دارند. بررسی این دو، شباهتها و تفاوتها فعالیت و تبلیغات اتحادیه های محلی در سطح اروپا برای دستیابی به یک بیانیه حقوق اجتماعی را نشان میدهد.

وضعیت سیاسی جنبش اتحادیه ای بریتانیا طی دهه گذشته جزو نامطلوبترین موقعیت ها در سطح اروپا است. لذا در سطح معینی منعکس کننده دشواریهای جنبش اتحادیه ای در دستیابی به یک بیانیه حقوق اجتماعی مطلوب است. باید بیاد داشت که TUC موضوع خود را در مورد جامعه اروپا دقیقاً در جهت خنثی کردن تاثیرات یک دوره پنج ساله دیگر حاکمیت دولت محافظه کار تغییر داد. اما کارگران بریتانیا بزودی دریافتند که برای اعمال هر گونه نفوذی بر سیر اوضاع ناچارند که مجدداً مساله را در کشورشان فیصله دهند.

TUC طی سال ۱۹۸۹ کمپین وسیعی را که توده زیادی از اعضا را به حرکت در آورد برای پیش راندن بیانیه حقوق اجتماعی پیشنهادی ETUC برپا داشت. این کوششها منجر به پیروزی حزب کارگر در انتخابات پارلمان اروپا با یک اکثریت قابل توجه گردید. که البته هنوز قدرت در هم شکستن مخالفت حزب محافظه کار با هر گونه بیانیه حقوق اجتماعی را نداشت. لذا اتحادیه های کارگری بریتانیا خود را در موقعیتی یافتند که از آن شروع کرده بودند. DGB که قدرتمندترین و شاید سیاسی ترین اتحادیه کارگری در کل جامعه اروپاست خود را از مقابله با مخالفت دولت آلمان در مورد بیانیه حقوق اجتماعی

ناتوان یافت. اگرچه ائتلاف محافظه کار صدراعظم هلموت کهل از ایده بیانیه حقوق اجتماعی حمایت میکرد اما شدت مخالف هرگونه اجبار قانونی برای به اجرا در آوردن اصل قراردادهای دستجمعی در سطح اروپا بود. بنابراین علیرغم بقایای آیدنولوژی تعاونی (کوشوپراتیستی) در حزب اصلی تشکیل دهنده دولت آلمان، اتحادیه دمکرات مسیحیها، DGB در مقابله با موضوع دولت آلمان موفقتر از حزب کارگر بریتانیا از کار در نیامد.

DGB و هم پیمانانش سلسله کمپین هائی ناگهانی و غیر قابل انتظار را در سطح ملی و محلی برای متقاعد کردن دولت آلمان در جهت حمایت از بیانیه حقوق اجتماعی پیشنهادی ETUC آغاز کردند. هر اتحادیه کارگری مجموعه ای از فعالیتها شامل کنفرانس ها، میزگردها، و تظاهرات ها را در این جهت و برای دامن زدن و نشان دادن تمایل اعضایش به اتحادیه های کارگری در سطح اروپا برپا داشت.

در دسامبر ۱۹۸۸ ارنست بریت رهبر DGB و سران سه اتحادیه تشکیل دهنده DGB در کنفرانسی که رهبران اتحادیه های کارگران، کارفرماها و صدراعظم کهل و وزرای اصلی کابینه اش گرد آورده بود شرکت کردند. در این گردهمایی رهبران اتحادیه نقطه نظرات و نگرانی های خود در زمینه بیانیه حقوق اجتماعی را مطرح کردند. همین نوع تلاشها در اشکال دیگری و بعنوان بخشی از کوششهای DGB در تبلیغ برای دستیابی به یک بیانیه حقوق اجتماعی طی سال ۱۹۸۹ ادامه یافت.

طی ماههای جون و جولای ۱۹۸۹ DGB و اتحادیه های صاحبان صنایع و کارفرمایان BDI و BDA بیانیه مشترکی صادر کردند. در این بیانیه نقاط توافق و اختلاف میان کارگران و کارفرماها در رابطه با پروژه اروپای واحد اعلام شد. DGB و دو اتحادیه کارفرماها هر دو توافق خود در مورد ضرورت وجود یک بیانیه حقوق اجتماعی که "حقوق و آزادی های پایه ای، آزادی ائتلاف، خودمختاری در مورد قراردادهای دستجمعی، و مشارکت کارگران" را برسمیت بشناسد، اعلام داشتند. کارگران و کارفرماها اما، در مورد چگونگی تضمین این حقوق اختلاف داشتند. سازمانهای کارفرماها معتقد بودند که قوانین و سازمانهای کشورهای عضو جامعه اروپا برای تضمین حقوق اجتماعی کافی هستند و از اینرو لزومی به اجبار قانونی در بیانیه جامعه اروپا نیست. در مقابل DGB خواهان آن بود که قوانینی برای تنظیم و هدایت قراردادهای دستجمعی و مجموعه ای از حقوق اجتماعی پایه ای در درون جامعه اروپا به تصویب برسد. موضع دولت هلموت کهل علیرغم تلاشهای مکرر DGB در جلب حمایت آن، کاملاً با موضع سازمانهای کارفرماها یکسان بود. بدین ترتیب حتی قویترین عضو کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا به لحاظ سیاسی ضعیفتر از آن بود که دولت را به پای تصویب و قبول بیانیه حقوق اجتماعی بکشاند.

### تصمیم نهایی در مورد بیانیه حقوق اجتماعی

زمانی که کمیسیون اروپا آخرین پیش نویس بیانیه حقوق اجتماعی خود را در سپتامبر ۱۹۸۹ منتشر کرد شورای وزیران اشتغال، امور اجتماعی و بازرگانی کمیته ای از معاونین خود را مسئول رسیدگی و اصلاح بیانیه حقوق اجتماعی کردند. این اقدام وزیران را قادر ساخت که فارغ از فشارهای اطراف و مستقل از کمیسیون اروپا عمل کنند. در ۳۰ اکتبر ۱۹۸۹ شورای وزیران فوق به پیش نویس تجدید نظر شده کمیسیون اروپا رای دادند. چند روز بعد کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا یک راه پیمایی زیر شعار "اروپا با حقوق اجتماعی تضمین شده" در بروکسل سازمان داد. سران اتحادیه امیدوار بودند این راه پیمایی که ۱۰ هزار کارگر، رهبر DGB ارنست بریت، دبیر کل TUC نورمن ویلیس و رهبران چندین اتحادیه دیگر از سراسر اروپا در آن شرکت داشتند شورای وزیران را تحت تاثیر قرار دهد، اما این اعتراض شجاعانه به شکست انجامید. در

# گوشه‌ای از تاریخ شکل یابی کارگران ایران

باشد. ۶- کار باید در حد امکان خود موافق دستورات نمایندگان نظارت صحنی اینکار را انجام دهند. ۷- از این تاریخ تا ۱۳ مارس سال آینده که مساله پاداش کارگران بطور نهایی مورد تجدید نظر قرار گرفت میزان پاداش کارگران ۵ درصد افزایش مییابد. ۸- کارگاهها باید روزهای جمعه و اعیاد تعطیل شوند ۹- کارگاههای زنان و مردان باید از هم جدا شوند ۱۰- جمعیت قالیبافان موظف به اجرای مقررات مذکور بوده و در صورت تخلف به بهداشتی بر کارگاهها بعهدہ دکتر احیاء الملک محول میشود.

ما تمدا متن کامل این سند را آوردیم تا نشان دهیم که کارگر ایرانی و عائله او در چه شرایط دوزخی زندگی و کار میکنند. از متن قرارداد پیداست که در کرمان نه تنها کار طول مدت معمول است، نه تنها ابتدایی ترین شرایط بهداشتی و تعطیل در هفته وجود نداشت و نه تنها استثمار کودکان شش ساله رواج داشت، بلکه کار اجباری هم مرسوم بود. یعنی کارگر در واقع بصورت سرف و برده ارباب خود در مییابد. اصولا تنها خود واقعتا مداخله حکومت تهران در اینکار نشان میدهد که وضع کارگران کرمان تا چه حد شاق و توانفرسا بوده است. باید متذکر شد که این استثمار و حشیانه تنها منحصرا به کرمان نبوده است بلکه در خراسان، کاشان، آذربایجان سلطان آباد (اراک) فارس و همه جا و هر جا که قالیبافی دایر است چنین

مدت کار روزانه در این کارگاهها از ۱۰ الی ۱۲ ساعت است. ضمنا خردسالان درست باندازه بزرگسالان کار میکنند و پذیرش یا اخراج کارگران مطلقا به رای مدیر کارگاه است. برای نمونه تصویب نامه لازم الاجرای دولت در مورد مقررات کار در کارگاههای قالیبافی کرمان را در اینجا نقل میکنیم. به این مناسبت تلگرام زیر از کرمان به تهران فرستاده شد:

" ۱۰- دسامبر سال ۱۹۲۱ ما صاحبان کارگاههای قالیبافی مطابق دستور دولت، در حضور والی، تعهد زیر را در کلیه کارخانه ها و کارگاهها اعم از اینکه به کارفرماهای ایرانی متعلق باشند یا اتباع خارجی بعهدہ میگیریم: ۱- به هیچ عنوان به کار اجباری متوسل نشویم و شرایط استخدام را بر اساس توافق طرفین منعقد کنیم ۲- شرایط قرارداد پس از حاکم شرع بایستی توسط مدیر کارخانه در شعبه وزارت فواید عامه به ثبت برسد و در آنجا نیز تصدیق شود ۳- کلیه کنترانهائیکه تا ۱۳ مارس امسال (اول حمل) منعقد شده اند ملغی محسوب میشوند و کنترانهائیکه بعد از این تاریخ منعقد شده بایستی مطابق بند ۲ این تعهد نامه برای ثبت به اداره فواید عامه تسلیم شوند. ۴- مدت کار تمام کارگران و افرادی که در تولید شاغل هستند و در تمام فصول سال ۸ ساعت تعیین میشود ۵- سربچه هائیکه در تولید کار میکنند نباید سنشان کمتر از ۸ سال و دختر بچه ها کمتر از ۱۰ سال

## بیانیه حقوق اجتماعی جامعه اروپا:

### شکستی برای کارگران اروپا

برنامه عمل تصویب شده شامل هیچگونه بندی در زمینه حق اعتصاب و انعقاد قراردادهای دسته جمعی در سطح اروپا نبود. در عوض زیر تیتیر "آزادی شکل و بستن قراردادهای دسته جمعی" بسادگی صرفا از مذاکرات غیر رسمی متناوب میان کارفرماها و اتحادیه ها تحت نظارت رئیس کمیسیون اروپا حمایت کرده بود.

### عکس العمل جنبش کارگری در مقابل بیانیه حقوق اجتماعی و برنامه عمل تصویب شده

اتحادیه های کارگری عمیقا از نتایج اجلاس استراسبورگ و برنامه عمل تصویب شده کمیسیون اروپا ناراضی بودند. برای مثال اتحادیه کارگران فز آلمان IG مثال در مخالفت با بیانیه و برنامه عمل تصویب شده در اجلاس دسامبر ۱۹۸۸ آنها را لیستی از فرمولبندیهای قابل تفسیر و پر از گریز خواند که ارزش بروی کاغذ آمدن را هم ندارد. فرمولبندیهای مبهم بیانیه و برنامه عمل تصویب شده بغیر از بندهای مربوط به بهداشت و ایمنی کار مندرج در برنامه عمل کمترین حمایت را در میان کارگران اروپا بخود جلب کرد.

بدین ترتیب تلاش برای دستیابی به بیانیه حقوق اجتماعی حافظ حقوق کارگران که از اوایل سال ۱۹۸۷ با خوش بینی زیادی آغاز شده بود به شکست انجامید. گرچه کلنجار برسر دستیابی عملی به اجزا برنامه عمل میروید که در ابتدای سال ۱۹۹۰ ادامه یابد اما جنگ اصلی بر سر تصویب قراردادهای دستجمعی در سطح اروپا در بیانیه حقوق اجتماعی از هم اکنون به شکست انجامیده است.

### علل و نتایج

چرا کارگران در دست یافتن به تحقق قراردادهای دستجمعی در سطح اروپا در بیانیه حقوق اجتماعی ناتوان ماندند؟ پاسخ سنتی مبتنی بر مقصر دانستن ساختن سنتی و ایستای اتحادیه های کارگری چیزی را روشن نمیکند. حقیقت این است که

# کارگران امروز

## کاروشی او را کشت

استثمار و وجود دارد. در کارگاههای قالیبافی بطور کلی زنان و کودکان کار میکنند. کار از طلوع آفتاب شروع میشود و تا غروب (۱۳- ۱۴ ساعت) ادامه دارد. کودکان خردسال از شش سال به بالا بکار پذیرفته میشوند. دختران از ۶ تا ۱۲ سال از ۲ تا ۲۵ شاهی در روز مزد میگیرند. خوراک معمول آنان فقط نان و آب است. و اگر گرانی یا قطعی شروع شود، مرگ و میر در میان آنان با سرعت برق افزایش مییابد. چنین است نحوه تولید آن قالیهای نفیس و زیبایی که در ایران و خارجه زینت بخش بهترین کاهها و سالنهای بورژواهاست. بدین سان در مقابل اتحادیه های ایران، میدان فعالیت مساعدی برای نجات هزار کارگر زن و مرد از استثمار دهشتناک و بالا بردن سطح زندگی اقتصادی و فرهنگی آنان گشوده میشود. البته اگر زمام حکومت در دست خود کارگران میبود آسانتر میشد به این هدف نایل آمد. ولی منافع نه تنها کارگران بلکه دهقانان نیز حکم میکند که قبل از هر چیز بقایای فئودالیسم ریشه کن شود و در شرایط موجود با استفاده از پشتیبانی عناصر بورژوا - دمکرات کشور، میتوان و باید اینکار را انجام داد. همزمان با اینکار ما باید سازمانهای خود را مستحکم و نیرومند سازیم زیرا در جریان پیکار تا آخرین دقیقه، تشکل و یکپارچگی مبارز بخاطر آزادی خود بصورت عامل قاطعی برای تمام روند آتی انقلاب در می آید.

بخشی از نوشته آ. سلطانزاده در باره جوانب عمده زندگی ایران - مسکو ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۲۲- مندرج در آثار آ. سلطانزاده - اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران - جلد چهارم - انتشارات مزدک.

البته از تاثیر اعتصابات محلی و منطقه ای کارگری خواهد کاست، اما در همان حال کارفرماهای مقتدرتری را بوجود خواهد آورد که رقابت افسار گسیخته را در بسیاری از موارد از جمله در مورد ارزش نیروی کار محدود خواهند کرد. بدین ترتیب احتمالا تکامل بازار واحد اروپا به درجه ای از همگرایی در منافع کارگران و سرمایه داران بزرگ منجر خواهد گشت.

در تحقق این سناریو دشواری وجود دارد. اول شکل گیری و قالب زدن مجدد نهادهای جامعه اروپا هم اکنون در حال وقوع است، در حالیکه پروسه ادغام اتحادیه های کارگری باید در سالهای آینده اتفاق افتد. بدین ترتیب در حالیکه اتحادیه های اروپا در پی دست یافتن به قراردادهای دستجمعی در سطح اروپا هستند شکل گیری نهادهای جامعه اروپا علیه آنها عمل میکند. ثانيا اتحادیه های کارگری اروپا با ریسک بزرگ از دست دادن اتحادیه های کنونی خود بدون بدست آوردن اتحادیه ای اروپائی روبرو هستند.

تعیین ارزش نیروی کار مستقل از رقابت نیز بستگی به شدت رقابت اقتصادی خارج از جامعه اروپا دارد. استراتژی بستن تعرفه های گمرکی بالا میتواند ارزش نیروی کار را مستقل از رقابت تعیین کند اما در پروژه بازار واحد اروپا از طریق گشودن بازار اروپا و افزایش رقابت شرکتهای اروپایی در سطح بین المللی اخلال ایجاد میکند. اگر رونق اقتصادی ناشی از یکپارچه شدن بازار اروپا متحقق شود (چیزی که اقتصاد دانان پیش بینی میکنند) در اینصورت تقاضا برای نیروی کار در جامعه اروپا افزایش می یابد. افزایش تقاضا برای نیروی کار بنویه خود موجب افزایش قدرت اتحادیه ها در مذاکره بر سر نیروی کار میگردد و حتی این افزایش قدرت میتواند به عقب نشینی کارفرماها در مقابل کارگران فراتر از مرزهای ملی منجر گردد.

و بالاخره در همانحال که قدرت سیاسی در جامعه اروپا به پارلمان اروپا منتقل میگردد، بنظر میآید که سیاستمداران استراسبورگ نهادهایی در سطح اروپا را تشکیل میدهند. دامن زدن به ابتکارات اتحادیه ها یکی از ابزارهایی است که پارلمان اروپا بوسیله آن میتواند با تشکیل ائتلافی با جنبش اتحادیه ای اروپا یا احزاب سیاسی درون پارلمان اروپا حمایت از دست رفته خود را دوباره بدست آورد. طی

## کارگر مهاجر...

این تقسیم جدید به خودی خود غیرقانونی نیست و کارگران خارجی در این شرایط در انتخاب دارند: یا این روش را قبول می کنند و دستمزدشان کاهش می یابد، و یا کارشان را ول می کنند. در "قره آکس" نگرانی وجود دارد زیرا موقعیت فعلی اینست: اگر کار را ول کنند پیدا کردن کار دیگر بعلت بحران دشوار است بنابراین ناچارند با این کاهش دستمزد بسازند.

## توضیحات

۱- کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا ETUC سازمان سراسری کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف اروپای غربی است. ۳۶ کنفدراسیون از ۲۱ کشور در این کنفدراسیون متشکل هستند. کلیه اتحادیه های اصلی در کشورهای عضو جامعه اروپا و کشورهای عضو EFTA عضو این اتحادیه هستند.

۲- کمیسیون اروپا بازوی اداری جامعه اروپاست که از ۲۳ مدیریت جداگانه که چیزی معادل پستهای کابینه میباشند تشکیل شده است. ۱۷ عضو کمیسیون پستهای فوق را اداره میکنند. پنج کشور بزرگ (آلمان، فرانسه، بریتانیا، اسپانیا و ایتالیا) هر یک دو نفر را برای عضویت در کمیسیون و هفت کشور دیگر هرکدام یک نماینده را برای این پست کاندید و معرفی میکنند. این نمایندگان باید اتفاق آراء اعضای دولتهای خود را داشته باشند. وظیفه اعضای کمیسیون نمایندگی جامعه اروپا مستقل از منافع کشورهای خود است. آنها نباید از هیچیک از دولتها و احزاب سیاسی تبعیت کنند. جامعه اروپا در بعضی زمینه ها قویتر و در برخی دیگر ضعیفتر از یک دستگاه اداری و بوروکراتیک کشوری است. کمیسیون اروپا حق تصویب قوانین را دارد اما اساسا درگیر تصمیمات جامعه اروپاست چرا که تصویب قوانین میتواند توسط دولتهای مربوطه انجام گردد.

۳- پارلمان اروپا تنها قسمتی از جامعه اروپاست که مستقیما توسط رای دهندگان اروپایی انتخاب میگردد. گرچه جامعه اروپا قدرت عملی کمی دارد اما بسیاری از ناظران معتقدند یکی از نتایج پروژه اروپای ۱۹۹۲ افزایش قابل توجه قدرت آن در آینده است. از ۱۹۷۹ دولتهای عضو جامعه اروپا انتخابات مستقیمی برای انتخاب اعضای پارلمان اروپا برپا داشته اند. موقعیت ضعیف پارلمان اروپا باعث شده است که رای دهندگان از انتخابات بعنوان وسیله ای برای ابراز نارضایتی خود نسبت به دولتهای خود استفاده کنند.

**B.K:** It's not clear. Right now we, together with the renewalist tendency, are pushing for some sort of big discussion between the trade unions. If there is a discussion and debate all over the trade union structure, including the rank and file, it will also show what the level of support for each tendency is. I think the renewalist tendency and the tendency we represent politically, i.e. the Democratic Socialists, are going to make considerable gains and get considerable support from the rank and file. But it is not yet possible to prove this, because we have to launch the debate first. We have to get people to speak out and then you can see who is supporting what. In that case, there could be new ideas and positions coming from the rank and file.

**WT:** Do the Russian workers still have the right to strike and form independent organisations?

**B.K:** Theoretically yes. In practice, however, of course the government does everything to limit it. Just a few days ago, the deputy minister of labour, Kojukin, ironically a social democrat, announced that the government is thinking about a whole set of measures against strikes.

**WT:** Can socialists still form socialist working-class organisations in the workplaces and in communities?

**B.K:** ... socialists are organised around the Party of Labour. On the other hand, there are other groups of socialists who are traditionally more connected to the old, reformist tendency in the Communist Party. They are organised around the Socialist Party of Workers, which is another socialist formation and which inherited [mostly] the old bureaucracy. Because the Party of Labour was created by people who were always fighting against the Communist Party, while the Socialist Party of Workers was created by the people from inside the Communist Party. Ironically, now we are getting closer and closer, because we understand the need for cooperation on the issues on which we agree. I think we, the two parties, are getting a growing support in the unions. I can't talk about the workers outside the unions. But, in any case, it is becoming an increasingly important factor in the political life [of Russia]. We still have to work hard in order to become a major force in Russian politics.

**WT:** You and a lot of other groups recently formed a Party of Labour. What is the programme of the Party of Labour? What's the main item on this programme?

**B.K:** The Party of Labour is actually, in political terms, the continuation of the original Socialist Party, founded as early as 1990. In that sense, it is a party orientated towards defending the ideas of decentralized socialized property as opposed to the old statist, centralistic conception which dominated the communist mentality. We are in favour of state ownership, but within a decentralised state, meaning that the state is not going to be as it was. In this sense, we're very critical both of the statist and the centralistic

vision of socialism. But, on the other hand, we do not support any vision of stateless socialism. We think that workers need the state for obvious reasons, and also because they have to protect and organise their interests through the state - the state of their own, that is. It should, of course, not be bureaucratic, but democratic and decentralized. It should be close to the people and the communities; we're in favor of self-management, or participation in management. And we're, of course, in favor of local self-management, of democratically elected representative bodies.

I think we're realist enough to understand that the country needs some [degree of] development of private enterprise, but we are critical of the idea of developing enterprises through privatisation of the existing state industries and enterprises. So, we want to defend the public sector from being privatized. If the new entrepreneurs want to have businesses of their own, they have to organise and finance new businesses, create new jobs, produce new products, and not just appropriate what has been created by the state and by the people. Ironically, there are now lots of small businessmen who agree with that, who support us in these issues, among other things because of the taxation policies of the government. The economic policies of the government are very hostile to small businesses. In that sense we are getting some support from small businesses, for obvious reasons.

**WT:** What is the difference between the ideals of the Party of Labour and the Social Democratic parties of Europe or the British Labour Party?

**B.K:** No, no. We are not any sort of Social Democratic party. Nor are we going to be one in the future. Although there is a considerable Social Democratic tendency inside the Party of Labour, it is definitely a minority tendency. It is a tendency which knows its place, so to speak, in terms of not pretending or trying to become a hegemonic tendency. Actually the party is described both by the press, including the [right-wing] press, and by its own supporters as a left-wing socialist party. ... the party does not want to affiliate to the Socialist International, because we do not consider ourselves to be any sort of Social Democrats. The party is quite firm on such issues as, for example, public property, or working class and employee participation in decision making. It is also quite firm on the political issues. People [in the party] understand the need for taking over the state by labour - the workers, engineers, employees.

I think the groups and parties in Russia that are openly Social Democratic are, ironically, going to the right so fast that even the right-wing, Western Social Democrats are ashamed of them. So, in this situation there is no place for proper Social Democracy. We have to either go to the left or much further to the right, but you cannot keep this Social Democratic centre position.

**WT:** What is the social base of the Party of Labour?

**B.K:** It depends on the place. Because if you see the organisation which has been built in Mos-

cow, it is mostly the young intelligentsia that are dominating the party. It is a completely non-working class party, at least in traditional terms. If you then go to Oral, or to East Siberia, for example, you'll see that the social composition of the party dramatically changes, and becomes mostly a traditional working-class party; workers from the factory. Of course, there are trade-unionist elected officials in all the branches of the party, which makes the party a very important factor inside the unions. So, we do a lot of work inside the unions. And I think the party is becoming important in the way it is, exactly because it reaches not only its members and supporters but also millions of union members through its role in the unions.

**WT:** What is the ideal form of government that you are supporting? What is your position on the parliamentary system for instance?

**B.K:** We would like the soviets to be the key element in the power system in the country, and, at same time, at the top level, it is clear that the Supreme Soviet, or whatever you call it, is going to be more or less a kind of parliamentary body, even if you call it soviet. So, at the very top level of society you have to have some kind of parliamentary structure.

**WT:** But would such a parliament, or Supreme Soviet, be based on the forces of the political parties or the direct representatives of the working people?

**B.K:** It depends on the parties. The parliament is elected directly by the population. The parliament is, in a way, a specialized body for legislation. So, in that sense, we think that even if you base your political concept on the idea of soviets, you still have to recognise that some elements of parliamentarism are inevitable. But on the other hand, if you see that you really develop the system of soviets locally, and you transfer as much power as possible to the local soviets - which are directly connected to the people - then the parliament will be a different sort of parliament; something more or something less than a bourgeois parliament. But, in any case, it is not a bourgeois parliament any more.

**WT:** What about the abolition of the wage system and wage slavery, as the socialist ideals?

**B.K:** That is written in the programme of the Party that is being discussed. The main purpose of the Party is not just to defend the wage-earners from their employers but to abolish wage-labour as such. The problem is how to do it and how long it takes to get there. By the way, we now campaign inside the unions to get the same formula written in the union document that the unions are not just to defend wage-earners but to fight for the abolition of wage-labour as such through their own economic ways, of course. But, in that sense, one could say, Well, if that is to be realised, then it's the end of the unions! So, in that case, the main purpose of the unions is, ironically, to abolish the unions!

**WT:** What challenges is the Party of Labour facing?

**B.K:** The main challenge we're facing is the growth of orthodox, traditionalist communist groups and forces. We could cooperate with these forces on some issues. We have no anti-communist prejudices. But, on the other hand, these groups have very incompetent leaderships, and they are often just wrong on several issues. I am not talking about the ideology in general but about concrete issues. They are very aggressive and intolerant and they not only do not want to cooperate with the socialist tendency, but they see, probably for good reasons, that the socialist tendency is a kind of threat and danger to them. So, they do their best to try to prevent the development of the democratic socialist tendencies. That is a challenge for us.

**WT:** Is the Party of Labour a party for Russia or is it for the whole Federation?

**B.K:** Now we're working on the

Party of Labour for Russia, but then we probably are going to expand it to other parts.

**WT:** Is it considered to be an internationalist party which advocates the struggle of the working class around the world? What is your stance on that?

**B.K:** Exactly. We consider ourselves a non-sectarian, non-ethnic, and, of course, non-religious movement which is very hostile to any brand of particularism and any attempt to split labour according to ethnic, religious or local lines. In that sense we are very much against any kind of localism and so on. And that is something that the left has to do for the country; I mean to unite the people around the traditional values of internationalism and brotherhood of workers. So, that is very important for the country which is now being divided along ethnic and local lines.



BORIS KARAVITSKY

Intellectuals and the Soviet State

from 1917 to the Present

## NEXT ISSUE IN SEPTEMBER

The next issue of *Worker Today* comes out after the summer break, in September.

## In the Persian Section

In addition to the articles in the English section, the Persian section of this issue includes:

- On workplace fatalities in Iran
- ICFU report: Iran among most dangerous places for labour activists
- Kurdistan Front said "Workers' councils must be dissolved" - Interview with Bakhtiar Saami, labour activist from Iraqi Kurdistan
- On the history of workers' organising in Iran
- Immigrant workers pay the price of

recession - translation • N American Free-Trade Agreement: capital's needs - article • Interview with Mirta Saida Lobato on Argentinian labour movement • EC Social Charter: a defeat for workers of Europe - translation • He was killed by "Karushi" (Death from overwork) - letter to the editor • ILO representatives meet with Iranian Islamic Councils • Top Iran official: Job Classification Scheme not to raise wages.

News of workers' struggle around the world is published in more detail in the Persian section.

ISSN 1101-3516

کارگر امروز

فشرده انترناسیونالیستی تاریخی

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush  
Translations: Amir Hedayat, Siavash Riahi  
Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

## Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of  
 Six months  One year  
 Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution \_\_\_\_\_  
 Address \_\_\_\_\_  
 Postcode \_\_\_\_\_ City \_\_\_\_\_ Country \_\_\_\_\_

### Subscription Rates

<i>Europe</i>	<i>Elsewhere</i>
1 Year SKr140	1 Year SKr210
6 Months SKr80	6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

# Only a republic of labour is the political and social solution to Russia's crisis

## Interview with Boris Kagarlitsky

**Boris Kagarlitsky, a deputy to the Moscow City Soviet, is a leading socialist in Russia and member of the Russian Organizing Committee of the Party of Labour. He is the author of a number of books including *The Thinking Reed* and *The Dialectic of Change*. In early May Ali Javadi, *Worker Today* co-worker in the US, carried out a telephone interview with Boris Kagarlitsky about the current political and economic situation in Russia, the situation of the workers' and socialist movement and on the Party of Labour. Excerpts.**



**Worker Today: How do you see the future of socialism and Marxism as the ideology of the working class struggle against capitalism?**

**Boris Kagarlitsky:** If we think about the current Russian experience which we are going through right now, I think it makes the Marxist discussion of the capitalist society valid for us much more than ever, precisely because the kind of society which is being realized right now in our country, through the efforts of our government, is very much a sort of classical, traditional, sort of wild, uncivilized capitalist society. And that makes even the orthodox traditional criticism and analysis of the market society made by Marx in the 19th century quite valid for us right now. In that sense you can use the classical Marxist tools of analysis in Russia much better than in many of the Western societies. Although, on the other hand, of course there is a lot of particularities, there are lots of specific facts about the Russian society of today which we have to analyze in a very precise way in order to understand what is really going on. That is one side of it.

The other side of it is, although the government believes, of course, in private property and private enterprise, and so on, the society still has a very strong feeling that something which could really help is a collective effort. In that sense the collectivist values are quite alive in Russia. That is something which the government itself is now feeling more and more strongly.

**WT: How do you see the future of socialism in Russia?**

**B.K:** Once, some years ago, I said that I did not see any positive outcome of the crisis in Russia, if we didn't have any democratic socialist solution. Now, quite a lot of people say, "OK, you were mistaken, the country is not going towards socialism, or democratic socialism". But the point is that I was speaking about a *positive* solution. What is going on right now is not a positive solution to the crisis, but, on the contrary, the *development* of the crisis, the destruction of the country. So, if you really want to find any sort of positive solution you have to build a socialized, democratically controlled economy. For there's no bourgeoisie in Russia, there's no proper, traditional business class, no middle class, which could get

the country going. It's only the "republic of labour" which could be the political and the social solution to the crisis. Organized labour could be the only force which could pull the country out of the present crisis.

**WT: What has been the impact of the collapse of the Soviet-style socialism, and the victory of the so-called market capitalism, on the egalitarian and socialist ideas among the workers?**

**B.K:** Well, these ideas are still alive. The very recent issue of a right-wing news magazine, *The New Times*, which is the Russian equivalent of the *Time* magazine, has quoted an opinion poll saying, firstly, that not only the peasants working on the collective farms but even private farmers, in fact, favour socialist solutions in agriculture, and are going to vote for one or another brand of the socialists, if there were any elections. The same news magazine says that, according to the opinion poll, socialist ideas are quite popular among the population. Of course, the authors of the magazine are not very happy about that, which is even more interesting than they have to admit that fact.

**WT: How would you describe the social scene of today's Russia? What is the balance and the relation of social forces today?**

**B.K:** I think the main characteristic of the balance of social forces is the lack of real social organisations outside of the government. So, on the one hand, there's no organized bourgeoisie. As a result, the bourgeois elements, or what we could call the business groups, are concentrated and organised around the government. They do not possess any social organisation of their own that is not part of the government structure. This means that the social basis for the capitalist development of the country is very, very limited. On the other hand, if you look at the situation of labour, you'll see the same picture. You'll see that people lack any sort of proper, horizontal structure of self-organisation. In that sense the situation is very, very dramatic, precisely because there is a shortage of organised political and social forces in the country on any considerable, mass scale.

**WT: What is the influence of the old reactionary forces - the Tsarists, the nationalists - and the current marketeers among the**

**workers? Can you give a picture of these trends among the working people?**

**B.K:** They don't have any strong influence among most of the working people. They control the media, and the problem is not that these forces are influential, but the main problem is that the forces which could try to build an alternative to them, and which could, potentially, be the leading forces of the society, are relatively weak and unable to break through in order to get known, and to get some kind of publicity for their ideas. ...

**WT: During the August events - the coup, the counter coup and the final take-over by Yeltsin - the majority of workers were, in my opinion, quite silent. What is the general political condition of the workers today?**

**B.K:** They are politically disorganised. [There are] no major political organisations of the workers. The labour unions are in crisis. The trade unions that we have, we have inherited from the old Communist structure. They are extremely bureaucratic and inefficient. Although they are now trying to do a good job and defend the interests of their members, they cannot successfully do it, exactly because they are very bureaucratic.

**WT: What is the extent of their influence and membership? What percentage of workers are organised in these trade unions?**

**B.K:** Ninety percent of the workers are unionised. But, despite their enormous membership, they are weak, because of their enormous bureaucracy and inefficiency. So, now there is a big battle going on today concerning the reform of the unions. If the trade union reform is successful, there will be a real [chance] for the development of the left alternative. But the trade union reform is very hard to achieve, precisely because the unions are very big and very bureaucratic.

**WT: How do you see the future of Yeltsin and the present bourgeois government?**

**B.K:** I think they could survive for some months at least. Not because they are very popular or successful, but just because their enemies and the political forces who could challenge them are even weaker than they are. I think

they could survive until mid-autumn, but then their survival would become increasingly problematic.

**WT: Why?**

**B.K:** Because of the food shortages, economic disasters, and also because the government itself promised the people that they would bring results, deliver the goods in mid-autumn, or late autumn in the worst case. By then people will suddenly realize that the goods aren't delivered, and that will be a very strong blow to the government.

**WT: What about the recent aid that the Western governments have promised to give to Russia? Do you think that would help Yeltsin's government to survive?**

**B.K:** I don't think that anybody could help Yeltsin to survive, if he were really in danger. The fact is that he's not in danger right now, but when it comes to real struggle the Western influence would not be very important, whether the West is determined to keep him in power or not.

**WT: What role will Russia play, in your opinion, in the world arena in the future - bearing in mind that the Soviet Union played a major role in the history of mankind in the past several decades?**

**B.K:** I think Russia and the countries of the former Soviet Union are going to continue to play a very important role in the world after the [present] crisis is resolved. Remember that Russia was completely destroyed as a state by the civil war. As a result of the civil war, we got the Soviet Union which became an important world power, and the world power of a special type, which very much shaped the world of today. So, I think Russia is going to pass a period of troubles and then re-emerge as a very important country.

**WT: What has become of the standard of living of the working people?**

**B.K:** It has collapsed.

**WT: How do they survive now?**

**B.K:** The survival is not a problem yet. Fortunately, it's no problem for people to be just alive. Most of the population is not in danger of starving. The problem is that the *social* conditions have degenerated to a very large extent. We have lost most of the gains of the '60s and '70s in terms of living standards. So, now people are living like in the early '60s. But, the living standards are going to get worse and worse. In that sense the survival will be a problem, but it's not right now.

**WT: Are there any major struggles emerging in response to these deteriorating conditions?**

**B.K:** Well, of course. There are lots of very important struggles. The unions try to fight back. Certain groups of wage-earners, too, resisted the pressure to bring down their living standards. And, interestingly enough, the most active are not the workers but the doctors, the teachers, [in a word]

the social groups which are probably worst hit by the government policies. The reason is that these policies not only undermine their living standards but undermine the health care system, the education system, and so on. So, that is very serious. And that is why these social groups are very active in resisting the government. It seems that the health care workers are going to score a major victory in the struggle against the government. That's because the government is under pressure to, first of all, admit that it was wrong about certain issues. Secondly, the government is to give them not only higher wages but, I hope, will be forced to respond by increasing the government spending on health care and education in general. [That is,] not only in terms of wages but also in terms of investments, which is one of the major demands of health care workers and teachers.

**WT: What is the present unemployment rate in Russia?**

**B.K:** It is very low for the kind of crisis we have! Because enterprise directors are, for good reasons, afraid of destroying the Workers' Collectives. They want to keep the people in factories even when they have no real jobs to give them. They don't want to sack people. They are afraid of sacking them. Because if they sack them, later on they won't have anybody to resume the production; something they hope will improve. But there is a lot of pressure on enterprise managers to sack the people. So, right now they are resisting. But, the question is how long they can continue resisting.

**WT: What are the organisations of the workers in Russia? What are the major labour unions which are fighting back?**

**B.K:** These trade unions, as I said, are very big and inefficient. At the same time, there is a struggle going on to reform the unions; a struggle in which, among others, the Party of Labour plays an important role.

**WT: What are the political tendencies among the trade unions?**

**B.K:** There are three tendencies. One tendency is, let us call it in the traditional way, the opportunist tendency, which just tries to live with the government and not challenge it seriously. It tries to cooperate with the government in its anti-social policies, or at least to pretend to be completely neutral. The other tendency is the hard line Communist tendency. It is critical of the government. It'd like to sabotage the reforms. But, on the other hand, it is, first of all, very much represented by the provincial unions. Secondly, it's in "hiding"; it never expresses itself openly politically, for good reasons. It is, moreover, afraid of revealing its not having a positive programme. The third tendency is the "renewalist" tendency, which is more or less organised around the Moscow and Leningrad Trade Union Federation, and politically connected to the Party of Labour.

**WT: What are the percentages of workers that support these tendencies?**

# Teamsters union after election victory

## Interview with Diana Kilmury

Diana Kilmury, a long-time labour activist in Canada, was recently elected to the position of International Vice President of the Teamsters Union as part of a reform slate that swept the union's first-ever rank and file elections. For 15 years Diana Kilmury has been a member of Teamsters for a Democratic Union (TDU) - a grassroots organisation for democracy in the Teamsters - and TDU co-chair for about 10 years. Ali Javadi, *Worker Today* co-worker in the US, talked to Diana Kilmury on a number of issues, including the reform work underway in the Teamsters since the election victory and on the future role of TDU as a reform movement, excerpts of which we publish here.

**Worker Today:** What have been the changes in the Teamsters Union since the election victory of Ron Carey's slate? How are the changes going to affect the life of a truck driver, the average working person?

**Diana Kilmury:** It is very difficult to give a definitive answer to that, because it is much too early. We have been in office slightly more than 100 days. The situation we walked into was one in which large sums of money had been spent on luxuries, there were multiple salaries, etc. It is going to take some time to put that right.

We've adopted a number of resolutions, we've brought in experts to help us clean our finances, we've sold off the luxury jets and the limousines and put it into an organising fund and a corporate campaign. After these, we hope to make bargaining more effective. We have let some people go who had multiple salaries.

Ron Carey is the general president and has offered a new vision at the Teamsters Union to all the members, including those that opposed him in the elections. He has been enormously successful in delivering excellent Carhaul agreements that had been languishing for the better part of the year. He has been able to make some meaningful changes, to get rid of serious double-breasting that was adversely affecting the guys in the industry. (By double-breasting I mean when a union employer has a non-union arm, and quite often what they do is they take the assets of the union arm and start, slowly but surly, sucking it out and putting it into the non-union arm.) He was able to get language that prohibits that in the Carhaul.

Safeway in California made a move to open up this gigantic warehouse and lay off all the Teamster people when one contract was going to end and then hire them back at half the rate, if at all. Through a concerted corporate campaign activity we were able to get that turned around, as well. When we took office 8,500 North West flight attendants had voted by a 70% margin to leave the Teamsters. Ron Carey was successful in convincing those people that we have a new way and a new Teamster,

and they voted 2 to 1 to stay with the Teamsters.

So we have got a lot of successes, and we have a lot of work to do. We think it would be a year before the programmes are firmly entrenched, but we are making gains. Everybody is very positive.

**WT:** Some people argue that the changes in the Teamsters have only occurred at the top echelons of the organisation, that mainly the International office has changed. As a result, there is friction between the local leaders and the International office. What is the situation in that regard?

**D.K.:** You have to understand that Jimmy Hoffa, the general president who was murdered in the mid-seventies, had a very centralized, autocratic regime. However, when Frank Fitzsimmons took over he allowed the locals to become much more autonomous and a great deal more powerful. The constitution reflects that. There is a great deal of power resting in the general presidency, but there is also quite a bit of power off in the conferences and the locals. And, of course, it doesn't matter what the constitution says, the reality is that these people have got their own little empires and are very well entrenched, and they don't much want anybody coming in and telling them what to do. That is a problem. But the answer to that is that the membership are clamouring for change. They voted overwhelmingly for Ron Carey and the new programme. The pressure comes not from the top, but from the bottom, by the membership. [So you have] Ron offering an olive branch, if you will, and the membership pushing from below. We don't care who does it; we don't care who is the officer, as long as that officer is participating in the new Teamsters. Frankly, that is working very well in some areas, not so well in others, and terrible in some parts.

**WT:** How do you see the difference of the Teamsters now with the existing US labour unions? What is your vision for the Teamsters of tomorrow?

**D.K.:** What is the vision? Naturally, to do what a trade union should, which is to represent working people. That is, beyond a

surface model of trade unionism where you go to work, you don't have much contact with the union and the odd time you might have a grievance, somebody from the local comes and services it. We're talking about the trade union movement, about a movement of people who are being insulted on all sides, by the anti-labour legislation, the free-trade agreement, the New World Order, the economic control by the multi-nationals, and so on. And fortunately we are a large union, a wealthy union, and we have a great deal of resources to put into those fights. Previously, this was not done. It was done somewhat, but it wasn't done as well as it could be. That's what we're doing.

**WT:** Is the Teamsters Union going to be radically different from the other US trade unions?

**D.K.:** Well, it is hard to predict the future, isn't it? They're not basically corrupt unions; they don't have that problem. I am sure you're aware that Bob White and the Canadian Auto Workers split off because of [the AFL-CIO's] concessionary attitudes. The proof is in the pudding; concessions don't save jobs; it just makes that the last work you are going to do, you get to do it cheaper... They take the money, they don't put it back into the infrastructure, anything that would benefit the worker, they just take it. The people that make the wealth of the country should enjoy the fruits of their labour.

Other unions have been complaisant; they haven't been corrupt. A lot of them are kind of undemocratic. ...

So yes, the Teamsters is going from rather the more reactionary to progressive. And that's a good thing.

**WT:** Definitely. But what role do you see for the Teamsters in the labour movement in the US and Canada? Do you see any role from this larger perspective?

**D.K.:** Well, absolutely. We're so diverse. We literally represent every kind of industry from A to Z. We control nearly \$100 billion worth of pension funds, and we have an enormous economic [weight]. We control the largest Political Action Committee (PAC) in the US. It is meaningful. If we use those vast resources for the education of not only our own membership, but the working people as a whole... We were the deciding vote on the AFL-CIO executive council as to whether or not they would go on record in favour of a Canada-style national health care plan, and we did that at the last executive board meeting.

We're not dealing with magic here. It is a struggle to take back inch by inch what's been eroded through greed, corruption, or just plain apathy. And you certainly cannot lay that at the Teamsters' door. That's been a problem in the whole of the labour movement. Nobody minded [it] for about 20 years. You know now they have these enormous firms of union-busters who will spend any amount of money to bust the union. We're in a battle, we're in a war. The Teamsters is gearing up to fight back in a meaningful fashion and the Teamsters has always been very tough. We intend to be tough again.

**WT:** What has been the relation with the AFL-CIO leadership? Will they welcome Ron Carey and the new Teamsters, or will they try to stop the efforts of Teamsters to revitalize the labour movement?

**D.K.:** [I can't speak for the AFL-CIO], but this would be my guess: We have often been an enormous pain in the butt to the AFL-CIO; somewhat "renegades" of the labour movement. Certainly all the corruption, etc, did not help the name of organized labour. So I'm sure that they are very glad that we've cleaned up our act. I think they're very happy about the \$6 million worth of [...] that we pay them. And I think that they're sufficiently scared about corporate America's agenda that they're damn glad to see that Teamsters are up and kicking about once again.

**WT:** But they have, for example, this policy of trying to make their corporations more competitive versus the corporations in other countries, rather than giving solidarity to other working people around the world. How do you see that problem? How will such things affect the relations between the Teamsters and the AFL-CIO?

**D.K.:** It's like any other organization. There's a bunch of people that do not want to see any problems. There is other people who see the problems clearly, but disagree on what is to be done. But clearly we're coming to an impasse here. The Mexican-US-Canada Free Trade Agreement, coupled with the replacement [effort], will be the end of organized labour. It doesn't matter where you started off from, you're all going to end up on the battle ground.

... One worker battling against another worker never gets anybody another job. And people need to understand that they are played just like pawns on a chess board by these enormous multi-nationals. There is all this statistics on how the tax burden has been put on the back of the workers and taken off the rich, and "the rich getting richer and the poor getting poorer" has never been more true. [Even] people that are not in a trade union are starting to look and say we'll be the last generation that is able to think about sending our children to college. This consciousness is starting to filter through all segments of society. I find it tremendously interesting, when the LA riots were on, that every person in the street that they interviewed did not fixate on race; they understood that it was economics, that if people are driven into that kind of hopelessness and no jobs and become an underclass, that is what's bound to happen.

**WT:** Let me ask you about the Teamsters for a Democratic Union. What is the role of the TDU now in the Teamsters?

**D.K.:** Well, TDU is a reform caucus within the Teamsters Union. It has a large body of people that hold to its views and are working in their locals to improve their conditions, to fight concessions, to give labour education. It is an independent caucus within the Teamsters.

**WT:** What are the changes that they are advocating which are different from what Ron Carey is doing, or do they go beyond?

**D.K.:** I don't think we have had a divergence of an opinion yet. We might have a small disagreement on the speed of the changes. But, you see, nobody can get a book out of the library, and say, OK it says in chapter 12 that it should take a week and a half! It'll happen when it happens. And as long as we're making forward progress, far be it from TDU to carp. I mean we've waited 15 years so if it takes another couple of months, we are nothing else if not patient.

**WT:** What necessitates the presence of the TDU then?

**D.K.:** Because there is a limited ability, because of the structures of the Teamsters. There is 615 locals, there are 45 joint councils, and there is the International and the 1.5 million members. The International has a limited reach. You can, after all, only put on a good shopsteward seminar if the local invites you in to do that. You have no power at the International, and it wouldn't work even if you did have the power to order people to think differently. What we're doing is working in a general sense to get everybody on this programme. But in the meantime there are still some locals that are in the hands of some extremely bad people. The only way the membership there can get anything done is to band together. The only way to get the education in order to carry out, you know something simple, like getting your stewards elected, is through an organisation like TDU. That's what we have always done. That's what we'll continue to do, and plus we intend to lend great credibility to the reforms that Ron Carey is enacting. People look to us and say, OK how was that with the Carhaul agreement? That's a damn fine agreement; Ron made a real achievement.

**WT:** What has happened to the TDU's membership since the election? Has it grown, do you have any statistics on that?

**D.K.:** Yes, it's grown a lot. The membership are still very excited, they're very empowered and they look at the successes. We have some complete TDU locals around the countryside. They are just such shining examples of good trade unionism. They've got 400-500 members out to a union meeting. They are out picketing and organising. People look at one of these locals and say I want my local to be like that. And really the only people that can make that happen, it is not the general executive board, it is not Ron Carey, it is the membership themselves.

**WT:** Do you wish to add anything at the end?

**D.K.:** I'm glad we won the election. We worked very hard for it. It is going well. It's not going perfectly, but then nobody thought it would. I think, we're going to go on winning and people are going to look back and say in the year 2010 that the turning tide in the labour movement was the day that the membership took back the Teamsters Union. ■

### IN BRIEF

#### USA

Every year on average 10,000 workers die and 6 million end up with serious injuries and disabilities as a result of workplace accidents in the US - according to a report in April by the AFL-CIO, the US labour confederation. The report says that each workplace is inspected for safety on average every 84 years. The more dangerous workplaces, like mines, are inspected every 25 years.

#### Sweden

Following pressures from various union sections, Sweden's national labour confederation (LO) decided to call a one-day general strike for 6 October against the government's anti-labour policies. The goals of the strike have been defined as fighting the growing unemployment, anti-union legislation and privatization of industries and social services.

#### Iraq

A group of labour activists from the city of Arbil in Iraqi Kurdistan issued a communiqué to call for international labour support for their struggle for basic rights. "Our every protest has been most savagely suppressed", says the statement. It calls on labour organisations to support their demands, especially for the right to strike and organise freely, and urges for letters of protest to be sent to Iraqi embassies and to the offices abroad of the "Kurdistan Front" - led by Jalal Talebani and Masoud Barzani and now the ruling force in Iraqi Kurdistan.

### Support Worker Today

**YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.**

**YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.**

**YOU CAN help distribute Worker Today in your area. YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.**

**YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.**

**YOU CAN send us your articles and reports. YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.**

**YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.**

## Canada's CLC condemns executions in Iran

*Labour organisations worldwide express solidarity with Iranian workers' struggle*

#### WT News Service:

A LARGE number of trade unions around the world in letters and resolutions condemned the Iranian government's repression against workers, its denial of basic labour rights and the brutal execution of the people arrested following the recent mass protests in a number of Iranian cities.

In Canada, Robert White, President of the Canadian Labour Congress, in a letter to the Iranian President Hashemi Rafsanjani, on behalf of the CLC Executive Council and two million members of the CLC called for an end to the executions and the immediate release of the hundreds of people in jail.

In Vancouver the 19th Constitutional Convention of the Canadian Labour Congress, in a resolution on labour conditions in Iran, called on the CLC to work with other international labour organisations to broaden trade union support for the struggle of Iranian workers and to call on the Canadian government to, among other

things, suspend its financial links with Iran.

A number of other unions around the world, including the Canadian Union of Postal Workers (CUPW); the Scarborough Local of CUPW; Local 660 of Service Employees International Union (SEIU); Local 1108 of the American Federation of State, County and Municipal Employees Union (AFSCME); Alsace Regional Committee of the CGT union in France; Section 22 of the National Educational Workers Union of the state of Oaxaca, Mexico; Finnish Food Workers Union; and Finnish Glass Workers Union, in letters or resolutions denounced the anti-worker policies of the Iranian government.

In connection with the recent mass arrests and the executions, the United Electrical, Radio and Machine Workers of Canada (UE) and the Unity Against Poverty organisation in Ontario condemned the Iranian government's savagery and violence against the working people.

## Jail terms for Saeed Saedi and Zahed Manouchehri

*Labour activists call for their release*

#### WT News Service:

In a communiqué, three labour activists from Iranian Kurdistan called on labour organisations around the world to increase the pressure on the Iranian government to release the jailed workers Saeed Saedi and Zahed Manouchehri. Here we publish excerpts of this communiqué:

"Friends, Comrade Workers!

You have no doubt already heard through *Worker Today* and other sources about the arrest of the two Iranian labour activists Saeed Saedi and Zahed Manouchehri. We have known these two workers intimately for several years, as activists of struggle against labour repression in Iran.

Although several months have already passed since their arrest, and [despite] the protests by a number of labour and progressive organisations, the inhuman Islamic Republic government is still holding them in jail under harsh conditions. According to the latest information, a 4-year jail sentence has been passed on Saeed Saedi, and a 2-year sentence on Zahed Manouchehri.

These two workers are under severe physical and psychological pressure, and their families, having lost their sole bread-winners, are under extreme hardship.

We call on all labour and progressive organisations to step up their efforts for the release of these workers.

This is not an isolated case in the Islamic Republic government's record of persecution of militant workers. We have witnessed for ourselves in our workplaces and communities in Iranian Kurdistan the arrest and jailing of many labour activists for the crime of fighting for workers' rights. Among them, our colleague Jamal Cheragh-Vaissy and the militant worker Abdollah Beyvaseh were executed. One of us, Yadollah Azizi, has spent nearly a year in the Islamic regime's jails...

We wish to state that we are ready to accompany international delegations to Iran to inspect the condition of the political prisoners.

We specifically call on you to:

- 1- demand the immediate release of Saeed Saedi and Zahed Manouchehri;
- 2- condemn the Iranian government for its anti-worker actions and demand that it recognise organisation and strike rights;
- 3- call for the expulsion of Iranian government's representatives, posing as "workers' representatives", from international labour forums.

In solidarity,

Yadollah Azizi - Mohammad Mohammadi - Mozaffar Fallahi  
April 9, 1992



**Bob White elected President of Canadian Labour Congress**

Canadian Auto Workers President Bob White was overwhelmingly elected as President of Canadian Labour Congress at the CLC convention in Vancouver in early June. A second top CLC position was won by Jean-Claude Parrot, the militant President of the Canadian Union of Postal Workers.

### Canadian Labour Congress letter to Iranian government against repression in Iran

*The Canadian Labour Congress, which represents 2 million organized workers in Canada, has learned of the arrest of hundreds of working people in Iran and the execution of eight of these people in early June. Furthermore, we are informed that five others have been sentenced to death and forty-five others have been sentenced to jail terms ranging from 4 months to 10 years.*

*On behalf of the Executive Council and the membership of the CLC, I call on your government to put an end to these executions and to either release or to immediately bring to fair trials, those people still in jail in your country.*

*I also wish to bring to your attention a resolution tabled in Vancouver, on June 10, 1992:*

*"Therefore be it resolved that the 19th Constitutional Convention of the Canadian Labour Congress call on the CLC to work with other international organizations to broaden trade union support for the struggle of workers in Iran and for the goals of human rights, democratic institutions, and democratic development; and be it further resolved that the CLC call on Canada to suspend financial relations with Iran, call for an arms embargo against Iran, and call for the conditioning of oil sales on respect for international human rights norms."*

*By copy of this letter, I am asking the Canadian Secretary of State for External Affairs to act on this resolution.*

*Yours sincerely,  
Robert White, President*

**"The main purpose of our party is to abolish wage-labour."**  
*Interview with Boris Kagarlitsky p. 14*



**Teamsters Union after election sweep for the reform slate**  
*Interview with Diana Kilmury p. 15*